



حضرت امام خمینی (ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری

ویژه ی برگزاری مسابقه ی آشنایی با اندیشه های امام خمینی به مناسبت سالگرد رحلت ایشان

مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی – دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی)

فهرست مطالب

الف - شخصیت ممتاز حضرت امام خمینی(ره)

ب - خصوصیات و ویژگی‌های راه حضرت امام خمینی(ره)

ج - نتایج و برکات حرکت و راه حضرت امام خمینی(ره)

د - وظیفه ما در قبال راه و خط حضرت امام خمینی(ره)

ه : خاطرات

شخصیت ممتاز حضرت امام خمینی(ره)

شخصیت استثنایی و ممتاز

خصوصیات امام، استثنایی و ممتاز و بی‌نظیر است و هرچه در ابعاد شخصیت ایشان تأمل کنیم، این استثنا و امتیاز را بهتر و بیشتر می‌یابیم. حال که این داغ بزرگ، دل‌های ما را گداخته است و غم سنگینی قلب‌های ما را می‌فشارد، خلأ وجود او را بیشتر احساس می‌کنیم....

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر و هیئت وزیران ۱۳۶۸/۳/۱۶

محو در اراده‌ی الهی و تکلیف شرعی

شخصیت امام تا حد بسیار زیادی به اهمیت و عظمت آرمان‌های او مربوط می‌شد. او با همت بلندی که داشت، هدف‌های بسیار عظیمی را انتخاب می‌کرد. تصور این هدف‌ها، برای آدم‌های معمولی دشوار بود و می‌پنداشتند آن هدف‌های والا، دست‌نیافتنی هستند؛ لیکن همت بلند و ایمان و توکل و خستگی‌ناپذیری و استعداد‌های فراوان و توانایی‌های اعجاب‌انگیزی که در وجود این مرد بزرگ نهفته بود، به کار می‌افتاد و در سمت هدف‌های مورد نظرش پیش می‌رفت و ناگهان همه می‌دیدند که آن هدف‌ها محقق شده‌اند.

نقطه‌ی اساسی کار او، این بود که در اراده‌ی الهی و تکلیف شرعی محو می‌شد. هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف، مطرح نبود. واقعاً او مصداق ایمان و عمل صالح بود. ایمانش به استحکام کوه‌ها می‌مانست و عمل صالحش با خستگی‌ناپذیری باورنکردنی توأم بود. آن‌چنان در تداوم عمل صبور و کوشا بود که انسان را دچار حیرت می‌کرد. به همین خاطر، هدف‌های بزرگ قابل وصول شد و دست یافتن به قله‌ها امکان‌پذیر گردید.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر و هیئت وزیران ۱۳۶۸/۳/۱۶

شخصیتی عظیم با جامع صفات

شخصیت عظیم رهبر کبیر و امام عزیز ما، حقاً و انصافاً پس از پیامبران خدا و اولیای معصومین، با هیچ شخصیت دیگری قابل مقایسه نبود. او ودیعه‌ی خدا در دست ما، حجت خدا بر ما، و نشانه‌ی عظمت الهی بود. وقتی انسان او را می‌دید، عظمت بزرگان دین را باور می‌کرد. ما نمی‌توانیم عظمت پیامبر(ص)، امیرالمؤمنین(ع)، سیدالشهداء(ع)، امام صادق(ع) و بقیه‌ی اولیا را حتی درست تصور کنیم؛ ذهن ما کوچکتر از آن است که بتواند عظمت شخصیت آن بزرگمردان را در خود بگنجاند و تصور کند؛ اما وقتی انسان می‌دید شخصیتی با عظمت امام عزیزمان و با آن همه ابعاد گوناگون: ایمان قوی، عقل کامل، دارای حکمت، هوشمندی، صبر و حلم و متانت، صدق و صفا، زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، تقوا و ورع و خداترسی و عبودیت مخلصانه برای خدا، دست‌نیافتنی است، و مشاهده می‌کرد که همین شخصیت عظیم، چگونه در برابر آن خورشیدهای فروزان آسمان ولایت، اظهار کوچکی و تواضع و خاکساری می‌کند و خودش را در مقابل آنها ذره‌یی به حساب می‌آورد، آن وقت انسان می‌فهمید که پیامبران و اولیای معصومین(ع) چه قدر بزرگ بودند.

فرازی بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت گروهی از فرماندهان و اعضای سپاه ۱۳۶۸/۳/۱۷

فاتح فتح الفتوح

در پیامی به مناسبت یکی از فتوحات ارزنده‌ی شما در جبهه فرمودند: فتح‌الفتوح، عبارت از ساختن این گونه انسانها و جوانهاست. در حقیقت، فاتح این فتح‌الفتوح، خود او بود. او بود که این انسانها را ساخت. او بود که این فضا را مهیا کرد. او بود که مسیر را به وجود آورد. او بود که ارزشهای اسلامی را بعد از انزوا و خمول، دوباره احیا کرد. میراث او، همین ارزشها و همین جمهوری اسلامی است. هر کدام از ما در هر مسؤولیتی که هستیم، عشق و محبت و فرمان را به آن عزیز، باید در حفظ و تداوم ارزشها و نظام جمهوری اسلامی مجسم کنیم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت گروهی از فرماندهان و اعضای سپاه ۱۳۶۸/۳/۱۷

عبد صالح و نیایشگر گریان نیمه شبها

شخصیتی آن‌چنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ، به جز انبیا و اولیای معصومین(علیهم‌السلام)، به دشواری می‌توان کسی را با این ابعاد و این خصوصیات تصور کرد.

آن بزرگوار، قوت ایمان را با عمل صالح، و اراده‌ی پولادین را با همت بلند، و شجاعت اخلاقی را با حزم و حکمت، و صراحت لہجه و بیان را با صدق و متانت، و صفای معنوی و روحانی را با هوشمندی و کیاست، و تقوا و ورع را با سرعت و قاطعیت، و ابهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت و خلاصه بسی خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه‌ی آن در قرن‌ها و قرن‌ها بندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست‌نیافتنی، و جایگاه والای انسانی او، جایگاهی دور از تصور و اساطیرگونه بود.

او، رهبر و پدر و معلم و مراد و محبوب ملت ایران و امید روشن همه‌ی مستضعفان جهان و بخصوص مسلمانان بود. او، عبد صالح و بنده‌ی خاضع خدا و نیایشگر گریان نیمه‌شبها و روح بزرگ زمان ما بود. او، الگوی کامل یک مسلمان و نمونه‌ی بارز یک رهبر اسلامی بود. او، به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او، ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید. و او، صلا‌ی استقلال و آزادی را در سراسر جهان سرداد و امید را در دل‌های ملل تحت ستم جهان زنده کرد. و او، در عصری که همه‌ی دست‌های قدرتمند سیاسی برای منزوی کردن دین و معنویت

و ارزشهای اخلاقی تلاش می‌کردند، نظامی بر اساس دین و معنویت و ارزشهای اخلاقی پدید آورد و دولت و سیاستی اسلامی بنیان نهاد. و او، جمهوری اسلامی را ده سال در میان طوفانهای سهمگین و حوادث سرنوشت‌ساز، قدرتمندانه اداره و حراست و هدایت کرد و به نقطه‌یی مطمئن رسانید. ده سال رهبری او برای مردم و مدیران ما، یادگاری فراموش‌نشدنی و ذخیره‌یی بس گرانبهاست.

فرازی از پیام به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت ۱۳۶۸/۳/۱۸

شخصیت ممتاز

شخصیت امام(ره) با هیچکدام از رهبرهای دنیا قابل مقایسه نیست؛ او را فقط با پیامبران و اولیا و معصومان(ع) می‌توان مقایسه کرد. او شاگرد و دنباله‌رو آنها بود و به همین خاطر نمی‌توان با رهبرهای سیاسی دنیا مقایسه‌اش کرد.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

انسانی حکیم و حلیم و آینده‌نگر

امام(ره) انسانی بسیار عاقل، دوراندیش، حکیم، آدم‌شناس، تیزبین، حلیم، متین و آینده‌نگر بود؛ که هر کدام از این صفات، کافی بود که شخصی را در مرتبه‌یی والا جای دهد و احترام همگان را جلب کند. متانت و بردباری و حلم امام به‌گونه‌یی بود که اگر صد نفر در مجلسی سخنانی می‌گفتند که او آنها را قبول نداشت، تا لازم نمی‌دانست، حرفی نمی‌زد و سکوت می‌کرد؛ در صورتی که اگر در حضور آدمهای معمولی کلمه‌یی گفته شود که برخلاف عقیده‌ی آنها باشد، طوفانی در روحشان به وجود می‌آید که سریعاً پاسخ بدهند.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۸

امیر بر هوی‌ها و خواهش‌ها

حقیقتاً برای انسان بزرگ و شخصیت بی‌نظیری مثل امام عزیز و بزرگوارمان، جا دارد که برگزیده‌ترین انسانها و هوشمندترین ذهنها و صافترین و پاکترین دلها و جانها، از احساس تعظیم و تکریم سرشار شوند. فرق است میان شخصیتی که به خاطر مقام و سمت ظاهریش مورد احترام و تجلیل واقع می‌شود، و کسی که شخصیت و عظمت و عمق وجود و آراستگیهای گوناگون او، هر انسان بزرگ و قوی و هوشمندی را به تعظیم و تجلیل و ستایش و تکریم وادار می‌کند. امام عزیز ما، از این نوع انسانها بود.

امام(ره)، خصلتهای گوناگونی داشت: بسیار خردمند و عاقل و متواضع و هوشیار و زیرک و بیدار و قاطع و رئوف و خویش‌نمدار و متقی بود. نمی‌شد حقیقتی را در چشم او واژگونه جلوه داد. دارای اراده‌یی پولادین بود و هیچ مانعی نمی‌توانست او را از حرکت باز دارد. انسانی بسیار دل‌رحم و رقیق بود؛ چه در هنگام مناجات با خدا که از خود بی‌خود می‌شد، و چه در هنگام برخورد با نقطه‌هایی از زندگی انسانها که به‌طور طبیعی دلها را به عطوفت و رأفت وادار می‌کند. انگیزه‌های نفسانی، جاذبه‌های

مادی، هوی‌ها و هوسها، نمی‌توانست به قله‌ی رفیع وجود باتقوای او دست‌اندازی کند. او امیر هوی‌ها و خواهشهای خود بود؛ ولی خواهشها بر او حکومت نمی‌کردند. صبور و بردبار بود و سخت‌ترین حوادث در اقیانوس عظیم وجود او، تلاطم ایجاد نمی‌کرد.

شخصیت درخشنده

من قادر نیستم خصلتهای انسانی و والای این مرد بزرگ را که مثل خورشید در تاریخ ایران درخشید، توصیف کنم. سالهای متمادی خدمت امام بودم. از سال ۳۷ با ایشان آشنا شدم و به درس او می‌رفتم. در دوره‌های مختلف زندگی و در بحرانهایی که پیش می‌آمد، رفتار حساب‌شده‌ی آن مرد را دیده بودم. این انسان استثنایی، اصلاً از نوع مردم زمان ما نبود. واقعاً نمی‌توانم خصلتها و خصوصیات این مرد بزرگ را توصیف کنم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نماینده‌ی امام در ارتش، وزیر دفاع و ... ۱۳۶۸/۳/۱۸

عابد و مخلص

نکته‌ی اصلی این است که اگر در مجموعه‌ی ذی‌قیمتی که شخصیت معنوی امام(ره) را تشکیل داده بود، عنصر عبودیت و اخلاص وجود نمی‌داشت، او به این موفقیتها نمی‌رسید. بنابراین، کارهای انجام شده، خیلی عظیمتر از آن است که شخصیتی با همه‌ی آن خصوصیات منهای ارتباط با خدا بتواند آن کارها را انجام دهد.

امام که توانست این حرکت عظیم را در دنیا به وجود آورد، به خاطر آن بود که با خدا ارتباط داشت و در این راه ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمی‌کرد. امروز که او در میان ما نیست، سیل اعترافها و تعریفها سرازیر شده است و همه‌ی دنیا به اقدام عظیم او که اقیانوس انسانها را به حرکت درآورد، معترفند. این کار بزرگ، تنها در سایه‌ی قاطعیت و اراده و هوش و شجاعت و تیزی و آینده‌نگری به وجود نیامد؛ این خصلتها قادر نبودند این طوفان عظیم را پیش آورند؛ عنصر اصلی، ارتباط با خدا و کمک خواستن از او بود که نام امام(ره) و کار او را در تاریخ جاودانه کرد.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۶۸/۳/۲۰

شخصی ممتاز و جامع صفات

رهبر کبیر عزیز و امام فقید بزرگوار ما، چهره‌ی درخشانی در عالم بود و حقیقتاً مثل او را نه در این زمان و نه در زمانهای گذشته نداشتیم و در میان چهره‌های معروف عالم - بعد از انبیا و اولیا(علیهم‌السلام) - شخصیتی با این عظمت و خصوصیات مثبت و جامع‌الابعد و جامع‌الاطراف سراغ نداریم. من عقیده‌ی قاطع دارم که اگر این بزرگوار همه‌ی آن خصوصیات مثبت چون: علم و قاطعیت و هوش و شجاعت و اراده را دارا بود، ولی اخلاص و ارتباط با خدا و تنزه از شرک - به معنای تجنب از اهوای خود و دیگران - را نمی‌داشت، به این توفیقات دست نمی‌یافت. این توفیقات بزرگ در زمانی به وجود آمد که تمام

نشانه‌ها حکایت از انزوای دین و کهنه شدن و فرسوده شدن آن و روآمدن تفکرات و اخلاق و شیوه‌های مادی و حاکمیت هوسهای

شیطانی و بشری در دنیا داشت.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فقها و حقوقدانان شورای نگهبان ۱۳۶۸/۳/۲۱

راز موفقیت اخلاص و اتصال به خدا

به اعتقاد من، مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین راز موفقیت او، همان اخلاص و توجه و اتصال به خدا بود. ایشان توانست معنای «ایاک نستعین» را در عمل خود مجسم کند و به منبع لایزال قدرت الهی متصل شود. وقتی یک انسان کوچک و ضعیف و ظرف محدودی، خودش را به اقیانوس بی‌پایانی وصل می‌کند، دیگر هیچ عاملی وجود ندارد که بتواند بر او فایق آید. اگر هر انسانی همین کار را بکند، همان‌گونه خواهد شد. البته انسانها به آسانی نمی‌توانند این کار را بکنند؛ ولی ایشان توانست و کرد. ما باید به قدر وسع خودمان تلاش کنیم. بزرگان در قله‌ها ایستادند، ما نیز از دامنه‌ها حرکت کنیم و به آن سمت پیش برویم؛ هرچند به آن قله‌ها هم دست پیدا نکنیم؛ ولی به‌هرحال حرکت و رفتن، فریضه و وظیفه‌ی همه‌ی ماست.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فقها و حقوقدانان شورای نگهبان ۱۳۶۸/۳/۲۱

عابد و مخلص

عامل موفقیت رهبر عظیم‌الشأن ما - آن امام استثنایی و بی‌نظیر - این بود که توانست اقیانوس عظیمی را این‌طور به حرکت درآورد و میلیون‌ها انسان را خدایی کند و راه اسلام را، راه زندگی قرار دهد و اسلامی را که همه‌ی قدرتهای دنیا علیه او بسیج شده بودند، عزیز کند و معنویت و ارزشهای منزوی‌شده‌ی معنوی را دوباره احیا نماید.

او چون مرد خدا بود و برای خود کار نمی‌کرد، خدا نیز بنده‌ی صالحش را هدایت کرد و به دل و ذهن او صفا و روشنی‌یی بخشید، تا راه را پیدا کند. به او جرأت و شهامت داد، تا در مقابل دنیایی از دشمن بایستد؛ و با دل او انس گرفت، تا از روگردانی انسانها در روزگار غربت، وحشت نکند.

یک روزی امام ما مثل نوح و ابراهیم(علیهماالسلام)، در غربت و تنهایی و اقلیت بود؛ اما از تنهایی و تهدید نترسید و خدا را از همه‌ی خلائق بزرگتر شمرد. برادران و خواهران! شما که بندگان مؤمن خدا هستید و به خاطر او قیام و حرکت و اقدام کردید و شعار دادید و تصمیم گرفتید جبهه را پُر کنید و شهید دادید و در راه خدا اتفاق کردید و تن‌های خود را به زحمت انداختید، بدانید که راز اصلی این است که باید با تکیه بر خدا، به دنبال اهداف الهی حرکت کنید.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و ساری و ساوه ۱۳۶۸/۴/۵

امام ، علمدار اسلام ناب

امروز هم در دنیا اسلامی که با ظلم و زورگویی درافتد و چپاولگری و فساد را محکوم کند، وجود دارد. این اسلام باید در انتظار دشمنی ابرقدرتها و امریکا و صهیونیستها و کمپانیهای غارتگر عالم و سلاطین فاسد و رؤسای مفسد امروز دنیا باشد.

روزی که ما پشت سر امام عزیز و علمدار اسلام ناب، شعارهای اسلام واقعی را مطرح می‌کردیم، می‌دانستیم که دشمنها و قدرتها و ابرقدرتها در مقابل ما صف‌آرایی می‌کنند. در صدر اسلام هم همین‌گونه بود. آن روزی که یهودیها و منافقان و کفار و مشرکان، اطراف مدینه‌ی پیامبر را محاصره کردند و جنگ احزاب و خندق را به وجود آوردند، مؤمنین واقعی گفتند: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ این، چیز تازه‌یی نیست. خدا و رسولش به ما گفته بودند که بدها و شریرها و فاسدها علیه شما همدست خواهند شد. بنابراین، آنها چون صدق وعده‌ی الهی را دیدند، ایمانشان قویتر شد.

هرجا که اسلام واقعی آشکار شد، اگرچه قدرتهای خبیث و پلید در مقابل آن صف‌آرایی کردند، اما انسانهای پاک و دلهای مطهر و روحهای صاف و فطرت‌های پاک و نالوده، با همه‌ی توان و وجود از آن حمایت کردند. چرا ده میلیون انسان عزادار در ایام رحلت امام(ره) گرد پیکر مطهر آن بزرگوار جمع شدند و آن‌گونه بر سر و سینه‌ی خود می‌زدند؟ چرا صدها میلیون مسلمان در سرتاسر عالم، به خاطر درگذشت یک انسان، این‌طور عزادار و داغدار شدند؟ محبوبیت امام ما به خاطر چه بود؟ جواب، یک کلمه است: به خاطر اسلام. خود آن بزرگوار این نکته را به ما یاد داد و خود او به ما فهماند و تأکید کرد که به خاطر اسلام، خدا دلها را متوجه انقلاب و رهبر و ملت ایران کرد.

آن چیزی که به پاها و دل‌های شما قوت داد، تا بتوانید راه‌های طولانی را طی کنید و به این‌جا بیایید، اسلام ناب و مدافع مظلوم و ناسازگار با ظالم بود. این اسلام است که دل‌ها را جذب و جمع می‌کند و نیرویی عظیم و شکست‌ناپذیر به وجود می‌آورد. راز اصلی همین نکته است، که ما باید آن را درست درک کنیم و همیشه به یاد داشته باشیم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت روحانیون و مسئولان و مردم استانهای فارس، هرمزگان، شهرهای قزو، تاکستان و ۱۳۶۸/۴/۲۱

دشمن شناسی، دوست شناسی

امام خصوصیات ممتاز فردی خیلی داشت؛ اما توفیقات او بالاتر از آن بود که به خصوصیات فردی یک انسان - هرچه هم بالا - متکی باشد. شجاعت و آگاهی و عقل و تدبیر و دوراندیشی امام بسیار ممتاز بود - در اینها هیچ شکی نیست - اما توفیقاتی که آن بزرگوار به دست آورد، خیلی بالاتر از این است که به شجاعت و عقل و تدبیر و آینده‌نگری زیاد یک انسان متکی باشد.

آن توفیقاها از جای دیگر نشأت می‌گرفت، که در درجه‌ی اول از اخلاص او ناشی می‌شد؛ «مخلصین له الدّین». مخلص خدا بود و کار را فقط برای او - ولاغیر - انجام می‌داد. لذا اگر همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار می‌گرفتند و از او چیزی می‌خواستند که مورد رضای خدا نبود، انجام نمی‌داد.

در درجه‌ی دوم، توکل و حسن ظن به خدا داشت. هیچ کاری در نظر او خارج از قدرت الهی نبود. کارهای بزرگ، حرکت‌های عظیم، کندن کوه‌های راسخ و جبال راسیات برای او میسر بود؛ چون عقیده داشت که به خدا متکی است و خدا او را کمک می‌کند؛ و چون به خدا توکل داشت، لذا با حسن ظن می‌نگریست.

امام دو خصوصیت دیگر هم داشت، که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود، و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. در شناخت دشمنها و دوستها اشتباه نکرد. از اول دشمنها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد، و نیز از اول دوستها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم از دوستی آنها منتفع شد.

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۸/۴/۲۳

ذات ممتاز و تربیت شده

مکرراً در طول این چند سال فکر می‌کردم و به ذهنم می‌رسید که بخش مهمی از پیروزیهای ما، ناشی از روحیات شخص امام(ره) است. یعنی آن بزرگوار، علاوه بر این که حقاً و انصافاً یک ذات ممتاز و تربیت شده و ریاضت کشیده و روی خود کار کرده بود - همه‌ی کسانی که از قدیم ایشان را می‌شناختند، این نکته را تصدیق می‌کنند - اما احساس می‌کردیم که در همین دوران انقلاب هم، ایشان در درون خود متوقف نبودند و مثل اولیای خدا و وجود مقدس پیامبر و ائمه - که دائماً در حال پیشرفت و تحول و تکامل بودند - سیر پیشرفت و تکامل را طی می‌کردند.

لحظه‌ی بعثت رسول اکرم(ص)، مثل لحظه‌ی رحلتشان نبود. در این بیست‌وسه سال، ایشان خیلی پیشرفت‌ها و ترقیات داشتند که برای ما افراد عادی، دهشت‌انگیز است. مؤمن این‌گونه است و لحظه به لحظه در حال پیشرفت می‌باشد. امام(ره) نیز عیناً همین‌طور بودند و ما آن را - مخصوصاً در مواقع خاص - احساس می‌کردیم. مثلاً در ماه رمضان، ایشان معمولاً هیچ ملاقاتی نداشتند و بیشتر به خودشان می‌پرداختند. بعد از ماه رمضان که انسان با ایشان ملاقات می‌کرد، محسوس بود که نورانیت و معنویت‌ر شده‌اند. یقیناً بسیاری از موفقیت‌های انقلاب و این ملت، ناشی از همان کانون جوشان منور بود.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از علما، ائمه‌ی جمعه و نهادهای انقلابی، ... ۱۳۶۸/۷/۲۶

لطافت و روح عرفانی

هویت هنری امام، بعد از رحلتشان برای همه آشکار شد. شاید خیلی‌ها اصلاً نمی‌دانستند که امام اهل شعر یا شاعر است؛ آن‌هم شعر با این مایه از لطافت عرفانی و آن سوخته حالی مخصوص یک انسان عارف دل‌باخته. این بزرگوار، با آن روح عرفانی، همان کسی است که صدایش قویترین صداها علیه استکبار جهانی بود. یعنی لطافت روحی با قوت اراده‌ی آن‌چنانی همراه می‌شود و بزرگترین کارهای روزگار ما را انجام می‌دهد.

واقعاً تشکیل جمهوری اسلامی، فقط تشکیل یک حکومت جدید و از بین بردن یک حکومت قدیم نبود؛ کار خیلی مشکل‌تر از این بود. در دنیایی که همه چیز در جهت مادیست است و شاید حدود دویست سال است که به‌طور برنامه‌ریزی شده، علیه ادیان و بخصوص علیه اسلام کار می‌شود، تأسیس حکومت اسلامی در یکی از حساسترین نقاط دنیا، واقعاً کار معجزه‌آسایی بود. آن بزرگوار، با قوت اراده‌ی خودش توانست همه‌ی نیروهای عظیم مردمی را به‌کار گیرد و این معجزه را به کمک پروردگار تحقق ببخشد.

خیلی مهم است که آن روح لطیف، در طول سالهای متمادی مبارزه - که مشکلات فراوانی به همراه داشت - با قوت اراده و استقامت در راه، یک سر مو به چپ و راست نرفت. به‌نظر من، ایشان برای همه‌ی ما و شما به‌عنوان هنرمندان متعهد و مؤمن و برای هر قشری به عناوین مختلف، الگو هستند و بایستی از ایشان تعلیم گرفت.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شعرا، قصه‌نویسان، فیلمسازان و ... ۱۳۶۸/۸/۲۱

مرد استغاثه و مناجات و دعا

اعتقاد این است که اگر امام بزرگوار بی‌نظیر ما - که واقعاً در میان مردم این زمان، نظیری برای ایشان نمی‌شناسیم و بعد از ائمه‌ی هدی و اولیاءالله (علیهم‌السلام) نظیر ایشان را بسیار کم سراغ داریم - با این مفاهیم مأنوس نبود و با مناجات و دعا سروکار نداشت و اهل تضرع و استغفار و استغاثه و گریه و توسل نبود، بسیار بعید بود که خدای متعال این همه توفیق را به ایشان ارزانی بدارد. موفقیت‌های این بزرگوار، به‌میزان زیادی مرهون همین ارتباط با خدا و باز بودن راه دل او با درگاه الهی و استغاثه و مناجات و دعا بود. انسان، پیشرفت لحظه به لحظه‌ی این مرد معنوی و الهی را در طی سالهای اخیر احساس می‌کرد. هر ماه رمضانی که بر این بزرگوار می‌گذشت، انسان می‌دید که نورانیتر شده و خدای متعال او را هدایت می‌کرده‌است.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از پاسداران ۱۳۶۸/۱۲/۱۰

سیر دائمی به سوی کمال

این امامی که شماها و دنیا را این‌طور دل‌باخته کرد - دل‌باختگی هم نبود، دل‌ها را از جا کند؛ همچنان که دنیا را زیرورو کرد - راز کارش در یک کلمه بود. مشکل من و امثال من هم این است که این کلمه را درست بفهمیم و بتوانیم عمل کنیم. گفتنش به زبان آسان است؛ عمل کردنش سخت است. آن کلمه‌یی که ماها شاید حتی درست نتوانیم آن را بفهمیم، او بدان عمل کرده بود. آن کلمه، عبارت از سیر دائمی به سوی کمال بود. شما خیال نکنید که امام سال ۶۸ که به جوار الهی رفت، همان امام سال ۵۷ بود که وارد ایران شد. نخیر، امام خیلی جلو رفته بود، خیلی پیشرفت کرده بود، خیلی بالا رفته بود.

درست است که ما منازل امثال آن بزرگوار را نمی‌توانیم بفهمیم؛ اما از همین پایین که انسان نگاه می‌کند، اوج آن باز بلندپرواز را می‌بیند. خدا شاهد است که بعد از هر ماه رمضان، گاهی که خدمت امام می‌رسیدم، برایم محسوس بود که در این ماه رمضان، امام نسبت به گذشته بالاتر رفته، پرواز کرده و از ماده دورتر شده است. روزه‌روز جلوتر می‌رفت و خودش را کاملتر می‌کرد. انسان مؤمن، این است. «من ساوی یوماه فیهو مغبون». اگر دو روزمان مثل هم باشد، سرمان کلاه رفته است. مغبون، یعنی فریب خورده، سرکلاه‌رفته. و کسی که فردایش از امروزش بدتر باشد، «فیهو ملعون»؛ یعنی طرد شده است.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و جمعی از سپاهیان و اعضای کمیته انقلاب اسلامی ...

۱۳۶۹/۱۱/۲۹

راز توفیقات پیوسته

امام عظیم‌الشأن که فجر انقلاب اسلامی را در دل تاریکیهای مادیت و فساد و ظلم و فسق کنونی جهان به درخشش آورد، شاگرد صادق و مؤمن و مخلص مکتب نبوی بود؛ و این بود سرّ توفیقات پیوسته و محیرالعقول او در برانگیختن مردم و در هراس افکندن به دل ظالمان و جهان‌خواران و در پیرویش در صحنه‌های گوناگون.

فرازی از پیام مقام معظم رهبری به کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۱۵

رهبر و زمامدار، زاهد و عارف

آنچه که در دوره بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، به نظر من به مراتب مهمتر و عظیمتر بود از آنچه که قبلاً دیده شده بود. در این دوران، امام - این شخصیت برجسته و ممتاز - در دو بُعد و دو چهره مشاهده می‌شود: در دوران حکومت، یک چهره، چهره رهبر و زمامدار است؛ یک چهره، چهره زاهد و عارف. ترکیب این دو با هم، از آن کارهایی است که جز در پیامبران، جز در مثل داود و سلیمان، جز در پیامبری مثل پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم انسان نمی‌تواند دیگر پیدا کند. اینها حقایقی است که ملت ایران در طول سالهای متمادی آنها را لمس کرده؛ ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام به چنین چیزی همه را دعوت می‌کرد؛ نظام اسلامی را برای تربیت انسانهایی از این قبیل می‌خواست و می‌پسندید؛ همان‌طور که خود او مظهر اعلای آن بود. در چهره یک حاکم و زمامدار و رهبر، امام بزرگوار مردی هوشیار، باشهامت، باتدبیر، بابتکار و دریادل بود. امواج سهمگین در مقابل او چیز کم‌اهمیتی محسوب می‌شدند. هیچ حادثه سنگینی نبود که بتواند او را شکست دهد و او را به خضوع در مقابل آن حادثه وادار کند...

امام در موضع یک انسان مقتدر و یک انسان بااراده بود؛ انسانی که اگر جنگ پیش بیاید، می‌تواند تصمیم بگیرد؛ اگر صلح هم باشد، می‌تواند تصمیم بگیرد. برای اداره یک کشور و برای مواجهه با دشمنان، می‌تواند تصمیم‌گیری کند. اما همین انسان، در چهره زندگی شخصی و خصوصی خود، یک انسان زاهد و عارف و منقطع از دنیاست. البته منظور، دنیای بد است؛ همان چیزی که خود او می‌گفت دنیای بد، آن چیزی است که در درون شماست. این ظواهر طبیعت - زمین و درخت و آسمان و اختراعات و امثال اینها - دنیای بد نیست. اینها نعمتهای خداست؛ باید اینها را آباد کرد. دنیای بد، آن خودخواهی، آن افزون‌طلبی و آن احساس تعلقی است که در درون انسان است. امام از این دنیای بد به کلی منقطع بود.

فرازی از خطبه نماز جمعه ۱۳۷۸/۳/۱۴

دارای دو خصوصیت صبر و یقین

مایلم عرایض خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز کنم که امام بزرگوار ما مصداق آن بود. در سوره مبارکه سجده، خدای متعال ضمن بیان حالات ملت‌ها و اقوام و انسانهای مبارز و پر تلاش مؤمن، این تعبیر را می‌فرماید: «و جعلنا منهم أئمةً یهدون بأمرنا لما صبروا و كانوا بأیاتنا یوقنون»؛ کسانی که دو خصوصیت و دو امتیاز را در خود به وجود آوردند، به این موهبت بزرگ سرافراز شدند که خدای متعال زمام هدایت مجموعه‌های انسانی را به آنها سپرد. آن دو خصوصیت، یکی صبر و دیگری یقین؛ «لما صبروا و كانوا بأیاتنا یوقنون». یقین، همان ایمان آگاهانه و روشن‌بینانه است که وسوسه‌ها نمی‌تواند آن را در دل انسان، سست‌بنیاد کند. صبر، خصوصیتی است که به یک انسان بزرگ این امکان را می‌دهد که در راه آرمانهایی که آگاهانه و روشن‌بینانه انتخاب کرده است، به هنگام مواجهه با مشکلات، خود و راه خود را گم نکند؛ هدف را فراموش نکند و منصرف نشود. همه پیغمبران، همه هدایتگران و همه کسانی که توانسته‌اند در مسیر تاریخ بشر یک اثر ماندگار و تحسین برانگیز از خود به جا بگذارند،... امام راحل ما، این تجدید کننده حیات اسلام در میان ملت ما و امت اسلامی، از این دو خصوصیت برخوردار بود.

امروز بعد از چهل سال که از واقعه پانزدهم خرداد می‌گذرد، شما ملاحظه می‌کنید که نهضت مظلوم امام، دنیای اسلام را فراگرفته است. یک روز در همین شهر تهران و در قم، مثل امروز و فردا، کسانی مظلومانه جان باختند؛ چون نام اسلام را به پیروی از امام بزرگوار فریاد می‌کردند؛ چون با سلطه بیگانه بر این کشور و با استثمار منابع حیاتی این کشور به وسیله بیگانگان

مخالف بودند. آن روز هر کس به این صحنه نگاه می‌کرد، شاید گمان می‌برد که این سخن و این فریاد به پایان رسیده است. امام را با قساوتِ هرچه تمامتر دستگیر و از خانه‌اش ربودند؛ مردم را با وحشیگریِ هرچه بیشتر سرکوب کردند؛ اما این فکر با الهام از همین قاعده بزرگ الهی - یعنی توأم شدن صبر و یقین - راه خود را ادامه داد. امام پانزده سال مبارزه کرد و به برکت همان ایمانِ آگاهانه توانست ملت ایران را یکپارچه به صحنه رویارویی با استبداد داخلی و استکبار بین‌المللی بکشد. وقتی ملت در معرکه‌ای پای خود را وسط گذاشت، پیروزی در آن معرکه حتمی است.

فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آنها را به ایمان روشن‌بینانه و آگاهانه‌ای مثل ایمان خود رساند؛ آن‌گاه ایمان و انگیزه مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حق و حقیقت تمام کرد. دیگران نمی‌توانستند و نتوانستند این مرحله دشوار را پیش ببرند؛ اما امام توانست. ملت ایران به این اصول اعتقاد پیدا کرد، ایمان آورد و در راه آن به مجاهدت پرداخت. نتیجه این شد که اولاً نظام اسلامی علی‌رغم همه کارشکنیها و دشمنیها به پیروزی رسید و روزه‌روز تا امروز ریشه‌دارتر شد و ثانیاً فکر تحقق و حیات دوباره اسلام و نجات امت اسلامی از ظلم و استکبار قدرتهای مستکبر، در مرزهای این کشور محدود نماند

فرازی از بیانات رهبر مقام معظم رهبری در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) ۱۳۸۲/۳/۱۴

برخورداری از روحیه حسینی

در تمام عمر ده ساله حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتفاق نیفتاد که او به خاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بُعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه حسینی.

جنگ، تلفات دارد. جان یک انسان، برای امام خیلی عزیز بود. امام بزرگوار، گاهی برای انسانی که رنج می‌برد، اشک می‌ریخت و یا در چشمانش اشک جمع می‌شد! ما بارها این حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطوف، دارای دلی سرشار از محبت و انسانیت بود. اما همین دل سرشار از محبت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزد و نلغزد. از راه برگشت و عقب‌نشینی نکرد. همه دشمنان انقلاب در طول این ده سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمی‌شود ترسانند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از میدان خارج نمی‌شود. امام، با منش و شخصیت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند. فهمیدند که این مرد را از میدان نمی‌شود خارج کرد؛ تهدید نمی‌شود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمی‌شود او را از راه خود منصرف کرد. لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند...

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع پر شکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

خصوصیات و ویژگی راه حضرت امام خمینی(ره)

۱- آرمانهای بزرگ امام

آرمانهای بزرگی که امام(ره) بیان می‌کردند، عبارت بود از: مبارزه با استکبار جهانی، حفظ اعتدال قاطع در خط «نه شرقی و نه غربی»، اصرار فراوان بر استقلال حقیقی و همه‌جانبه‌ی ملت - خودکفایی به معنای کامل - پافشاری فراوان و تمام‌نشدنی بر حفظ اصول دینی و شرع و فقه اسلامی، ایجاد وحدت و همبستگی، توجه به ملت‌های مسلمان و مظلوم دنیا، عزت بخشیدن به اسلام و ملت‌های اسلامی و مرعوب نشدن در مقابل قدرتهای جهانی، ایجاد قسط و عدل در جامعه‌ی اسلامی، حمایت بی‌دریغ و همیشگی از مستضعفان و محرومان و قشرهای پایین جامعه و لزوم پرداختن به آنها. همه‌ی ما شاهد بودیم که امام در این خطوط، مصرا نه و بدون تعلل، حرکتش را ادامه داد. ما باید راه و اعمال صالح و حرکت مداوم او را دنبال کنیم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر، هیئت وزیران ۱۳۶۸/۳/۱۷

مشخصات عصر امام خمینی(ره)

امام کبیر ما عصر جدیدی را آغاز کرد، و امروز که دل‌ها و جان‌ها مان لبالب از حسرت فقدان آن عزیز بی‌همتای امت اسلامی است، بزرگترین وظیفه‌ی ما این است که مشخصات عصری را که امام(ره) آغاز کردند و ملت را در فضای آن قرار دادند و به جهان اعلام فرمودند، بدانیم و این مشخصه‌ها را حفظ کنیم. عزاداری واقعی وقتی است که ما به این فریضه عمل کنیم.

عصری که امام بزرگ و عظیم‌الشأن ما آغاز کردند، مشخصه‌هایی دارد که عمده‌ی آنها عبارت است از: ایجاد روح عزت و استقلال و استغنا و اعتماد به نفس برای ملتی که در طول سالیان متمادی سعی شده بود این روحیات از او گرفته شود و دیگران بر سرنوشت او تسلط پیدا کنند....

مشخصه‌ی دیگر عصری که امام موجد آن بودند، عبارت است از گرایش و احترام به ارزشهای انسانی و عدالت و حریت و آرای مردم. همان شخصیت با عظمت که امروز مردم دنیا و دشمنان او نیز به عظمتش اعتراف می‌کنند، می‌گفت: اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر است از این که به من رهبر بگویند. راست می‌گفت و تعارف و تظاهر نمی‌کرد. او تا آن اندازه برای مردم احترام قایل بود که خود را خدمتگزار آنها بداند. ما مثل این نمونه را در دنیا و تاریخ سراغ نداریم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فرماندهان، نمایندگان ولی فقیه و ... ۱۳۶۸/۳/۲۸

ترسیم خط امام

خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملت ایران بر اساس آن حرکت می‌کند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. خط و راهی است که ملت ایران را در دنیا، به صورت یک ملت زنده و سرافراز و مستقل‌ترین و زنده‌ترین و فعال‌ترین ملت‌های دنیا درآورده و ما را از حالت ملت عقب‌افتاده‌ی وابسته‌ی مرده، خارج ساخته است. خطی است که ایمان و محبت و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آنها را در این راه، به فداکاریهای اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر واداشته است. این خط، زندگی و همه‌ی هستی و هویت ملی و انقلابی ماست و به فضل پروردگار این خط، با قاطعیت و قدرت و امید و با همان روحیه‌ی که امام در طول دوران نهضت و انقلاب، عملاً به ما تعلیم دادند، به پیش

خواهد رفت. ما برای تحکیم راه امام و انقلاب و فداکاری و تلاش و کوشش شبانه‌روزی، آماده‌ایم. جانها و خونهای ما، فدای این راه و خط است. سعادت ما در این است که زندگی خود را در این راه بگذرانیم. در این، هیچ تردیدی نیست...

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۶۸/۵/۱۲

هدایت‌گر اصلی

راهی را که ما در طول این یازده سال پشت سر امام طی کردیم، راهی نبود که به طور طبیعی و بدون هدایت و حمایت و کمک الهی بتوانیم آن را طی کنیم. از پیچ و خمهای عجیبی عبور کردیم و به برکت رهبری امام(ره)، فراز و نشیبهای عجیبی را پشت سر گذاشتیم و این نبود مگر آن که هدایت الهی ما را کمک می‌کرد.

عقیده‌ی خود ایشان هم همین بود و من از ایشان این حرف را شنیده بودم که می‌گفتند: «من از اول انقلاب، احساس می‌کنم دست هدایتی ما را کمک می‌کند و پیش می‌برد و راهها را در مقابل ما باز می‌کند». حقیقت هم همین بود و خدای متعال این هدایت را در مقابل مجاهدت و خلوص و صفا و نورانیت، ارزانی می‌دارد.

هدایت الهی، به انسانهای غافل نمی‌رسد. این که در همین مناجات شعبانیه می‌فرماید: «و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک»، این نورانی کردن چشم دل و روشن کردن حقایق برای دل بیدار و چشم بصیر مؤمن، رایگان به دست نمی‌آید و بدون مجاهدت و تلاش و ارتباط با خدا، امکان ندارد تحقق پیدا کند.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از پاسداران در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۱۳۶۸/۱۲/۱۰

دوران دهساله حیات امام الگوی حیات جامعه‌ی انقلابی

سخن آن است که دوران دهساله‌ی حیات مبارک امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، الگو و نمونه‌ی حیات جامعه‌ی انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی، دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (قدس سرّه) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه‌ی فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته‌اند، اکنون شاهد آنند که ملتهای دیگر، حتی ملتهای غیرمسلمان، نسخه‌ی تعلیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه‌ی نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه‌جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوریهای سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است. ملتها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه‌ی خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه‌جا، چشم به ملت مقاوم ونستوه ایران دوخته‌اند.

فرازی از پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

عناصر اصلی در پایه‌گذاری جمهوری اسلامی

نکته اول - که اصلی‌ترین عنصر تشکیل دهنده ی نظام است - عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی....

امام بر روی اسلام تکیه کرد؛ به اسم اسلام قانع نشد؛ بر این اصرار ورزید که باید قوانین اسلامی در تمام گوشه و کنار دستگاه‌های دولتی و حکومتی حاکم شود. البته این کار، یک کار بلندمدت بود. امام هم این را می‌دانست که در کوتاه‌مدت، این مقصود تحقق پیدا نمی‌کند؛ اما راه را باز کرد و حرکت را شروع نمود و جهت را نشان داد و همه فهمیدند که باید به معنای حقیقی کلمه به سمت احکام و تعالیم اسلام و ساخت اسلامی برای نظام و جامعه حرکت کنند تا بتوانند عدالت را تأمین، فقر را برطرف و فساد را ریشه‌کن کنند؛ تا بتوانند دردهای مزمنی را که بر این ملت تحمیل شده است، جبران کنند... عنصر دومی که امام به آن حداکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود...

به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر مردمدار نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق... قرار داد. عرصه اول عرصه اول عرصه تکیه ی نظام به ارای مردم است

عرصه دوم عرصه تکلیف مسئولان در قبال مردم است ...

عرصه سوم - که باز بر محور مردم حرکت می‌کند - عبارت است از بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن...

عرصه چهارم درخصوص توجه امام به مردم عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم...

عنصر سومی که برای امام اهمیت داشت، نظم و قانون بود. لذا حتی قبل از آن‌که انقلاب به پیروزی برسد، امام دولت معین کرد.

عنصر اساسی چهارم که امام آن را در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت - و بحمدالله مایه ماندگاری نظام شد - مسأله دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی است. امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حيله دشمن غفلت کرد و نه گذاشت که مسؤولان غفلت کنند.

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع زائران مرقد امام خمینی(ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴

هنر بزرگ امام(ره)

آن نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار ما با نهضت خود و به کمک این ملت از بین برد - یعنی نظام فاسد و وابسته پادشاهی - نظامی بود که سردمداران و مسؤولان و رؤسای آن، به سرنوشت ملت ایران و جوانان این کشور اهمیتی نمی‌دادند و کشور و ملت را به سمت وابستگی هر چه بیشتر سوق می‌دادند. سعادت مردم به عنوان یک هدف، برای آنها مطلقاً مطرح نبود. اداره کشور، با الگوهای غلط و نامتناسبی انجام می‌شد، که از کشورهای بیگانه به طور ناقص گرفته شده بود و تازه همان هم اجرا نمی‌شد؛ یعنی یک نظام استبدادی و دیکتاتوری محض، تحت نامهای گوناگون و با روشهایی که هیچکدام از آن روشها، برخاسته از اراده و خواست ملت و متوجه به مصالح آنها نبود.

در نظام وابسته منسوخ و برافتاده قبل از انقلاب، مردم دچار فساد و بی‌بند و باری بودند، یا به تعبیر درست‌تر، به سمت فساد و بی‌بند و باری و خودباختگی و بی‌ایمانی سوق داده می‌شدند. یعنی حرکت ملت را این طور تنظیم کرده بودند که روز به روز در کشور، بی‌ایمانی همه‌گیرتر شود و مردم از ایمان معنوی درست محروم بمانند و به فساد و بی‌بند و باری کشانده شوند و خودباختگی در مقابل بیگانگان در آنها تقویت گردد و استقلال اقتصادی و فرهنگی در کشور، مفهومی نداشته باشد. جهت کلی حرکت در آن نظام منسوخ و فاسد، این بود.

در این مرحله، هنر بزرگ امام بزرگوار در این بود که به جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به جای بی‌توجهی به سرنوشت ملت، بخصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روز به روز توسعه پیدا می‌کند. به جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است....

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴

امام(ره) شاگرد مکتب قرآن

امام بزرگوار در طرّاحی این انقلاب و در تنظیم نظام سیاسی بر اساس این انقلاب - یعنی تشکیل حکومت و نظام جمهوری اسلامی - به فضل پروردگار و به هدایت الهی، روشی را برگزید که روش پیامبران و بندگان متصل به منبع غیب است. این، به خاطر آن است که امام، قرآن را دوست می‌داشت، خود شاگرد مکتب قرآن بود، با قرآن مأنوس بود، از قرآن استمداد می‌کرد و قرآن برای او برنامه زندگی به حساب می‌آمد. این، یکی از نتایج و آثار بزرگ و شکوهمند آن حقیقت است.

مطلب دومی که درباره امام است و من آن مطلب را امروز می‌خواستم عرض کنم و به اختصار در میان می‌گذارم، این است که چنین حرکت عظیمی، معمولاً و عادتاً با یکی از دو آفتِ «تَحَجُّر» یا «انفعال» مواجه می‌شود. چنین کار بزرگی، آفاتی دارد و آفت بزرگ چنین حرکت عظیمی با این ابعاد وسیع - همان‌طور که گفتیم - یکی از دو آفتِ «تَحَجُّر» یا «انفعال» است....

معنای تحجّر آن است که، کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور - که نیاز لحظه به لحظه است - نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است.

اگر در رأس نظامهای سیاسی‌ای که براساس اسلام، یا تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند. امام، خود را از این آفت مبرا کرد.....

آفت دومی که در چنین مواردی، مسؤولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید می‌کند، این است که آنها را دچار انفعال و خودباختگی کنند و در موضع تأثیرپذیری ناخواسته از اراده دیگران قرار دهند. امام بزرگوار، در مقابل این آفت دوم هم مثل کوه ایستاد....

خطر بزرگی که انقلابها و اصالت ملتها را تهدید می‌کند، این خطر است. خطر بزرگی که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می‌کند، این خطر است. امام، در مقابل این خطر، مثل کوه استوار ایستاد؛ «کالجبل لا تحرکه العواصف». از ساعت اول، از نام نظام جمهوری اسلامی بگیرید، تا بقیه قضایا.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴

مستضعفان و محرومان، لشکر انقلاب اسلامی

دو نکته اساسی در حرکت امام بزرگوار بود که همین دو نکته، سرمایه ارزشمند این انقلاب بود و هست: یکی این است که هدف این انقلاب، اسلام است. دوم این که سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و همچنین قشر جوانند. این انقلاب را، پابرهنگان به پیروزی رساندند. این جنگ طولانی تحمیلی هشت ساله را جوانان این مملکت به نتیجه رساندند. امروز هم جوانان، در راه خدا و در راه اسلامند. امروز هم اگر خطری این انقلاب را تهدید کند، اولین کسانی که به میدان خواهند آمد، همین جوانانند؛ جوانان حوزه‌ها، دانشگاهها و جوانان سراسر کشور و قشرهای مختلف.

امام بزرگوار، با همه وجود، از اسلام دم زد. امروز همه امام را با وجودشان و با دلشان قبول دارند. کلمات امام، کلمات واضحی است؛ محکمت و بینات است. فرمایشات امام، هنوز در فضا طنین افکن است. وصیتنامه امام، میثاق همیشگی امام با امت است. همه باید این کلمات را درست بفهمیم و بر آن تدبیر کنیم، تا راه امام را اشتباه نکنیم. کسانی که دم از امام می‌زنند، اما حاضر نیستند فکر امام و راه امام را بپذیرند و به آن تن بدهند، اشتباه می‌کنند

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه عزاداران مراسم نهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۷/۳/۱۴

عدالت اجتماعی و تکیه به مردم

من چند مشخصه مهم را از مجموعه‌ای که ما آن را راه امام و خط امام به حساب می‌آوریم، عرض می‌کنم. چند مطلب از نظر امام، در درجه اول بود؛ اول، اسلام و دین بود. امام، هیچ ارزشی را بالاتر از ارزش اسلام به حساب نمی‌آورد. انقلاب و نهضت امام، برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این نظام را قبول کردند، این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند، برای انگیزه اسلامی بود....

پس اول چیزی که در خط امام، مهم است، تعقیب هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه ایمان و در صحنه عمل است. دومین مطلب، تکیه به مردم است - همان‌طور که عرض کردم - هیچ کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه مشروعیت می‌دانند؛ لااقل پایه اعمال مشروعیت است. بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی، سر پا نمی‌شود و نمی‌ماند. البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است....

سوم از مشخصه‌های خطّ امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می‌دانست. امام، پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزیهای این ملت می‌دانست...؛

یک عنصر دیگر، دشمن‌شناسی و فریب نخوردن از دشمن است. اولین کار دشمن این است که تبلیغ می‌کند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهانخواران را از این سفره به یغما رفته سالهای متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمنند، می‌بینیم که دشمنی می‌کنند - در تبلیغات، در محاصره اقتصادی - هرکاری که می‌توانند در تقویت دشمن علیه نظام، می‌کنند؛ صریح هم می‌گویند!...

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۳/۱۴

اسلام و مردم محور همه اصول

محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حقّ ملت‌ها، اهمیت رأی ملت‌ها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می‌کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست‌ناپذیری اسلام، شکست‌ناپذیری مردم

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۳/۱۴

شاخصهای مکتب سیاسی امام(ره)

من می‌خواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم. مکتب سیاسی امام نمی‌تواند از شخصیت پُر جاذبه‌ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به‌طور مجسم و به‌صورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما به‌دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی‌ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز می‌کند که گستره‌ی آن حتی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیع‌تر است. مکتب سیاسی‌یی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می‌کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه‌ی آنهاست؛ لذا کهنه نمی‌شود. کسانی که سعی می‌کنند امام بزرگوار ما را به عنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاش خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.

مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته‌ی این مکتب را در این جا بیان می‌کنم. یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را با هم

داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده‌ی تشریعی پروردگار اعتقاد و به اراده‌ی تکوینی او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنت‌های آفرینش کمک گار اوست. او معتقد بود که: «ولله جنود السماوات و الأرض و كان الله عزيزاً حكيماً». امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود می‌دانست و علائم راهنمای حرکت خود به‌شمار می‌آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به‌حساب می‌آمد و او را به هدفهای بزرگ آرمانی خود می‌رساند...

شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین‌کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما - که از متن اسلام گرفته شده است - مردم‌سالاری حقیقی است؛ مثل مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست

شاخص سوم از شاخصهای مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده‌ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برای مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به‌دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه‌ی بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت می‌خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی‌خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند. امریکایی‌ها هم می‌گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دموکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دموکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ‌افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و آفریقا است؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دغل بازی و فریبگری و ظلم و جنایت به چشم می‌خورد. با این وسایل می‌خواهند حقوق بشر و رسالت جهانی‌شان را گسترش دهند! مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نوی خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند و مثل نسیم بهاری و عطر گلها در همه‌جا می‌پیچد...

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله‌ی ولایت‌فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده‌اند مسأله‌ی ولایت‌فقیه را نادرست، بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته‌ها و توقعات غیرمنطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار. این که گاهی می‌شنوید تبلیغاتچی‌های مجذوب دشمنان این حرفها را می‌پراکنند، مربوط به امروز نیست؛ از اول، همین جریانات و دست‌آموزها و تبلیغات‌دیگران این حرفها را مطرح می‌کردند...

آخرین نکته‌ای که به عنوان شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم مسئله عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری و در اجرا و در قضا- باید عدالت اجتماعی و پرکردن شکافهای طبقاتی - مورد نظر و هدف باشد.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ۱۳۸۳/۳/۱۴

راه خوشبختی ملت ایران

راه ما - همان طور که این مرد بزرگ برایمان ترسیم کرده است - راه استقامت و پیگیری هدفهای نظام اسلامی است. طبق درسهای امام بزرگوارمان و طبق وصیت او، راه این ملت همین است. برادران و خواهران عزیز من در سراسر کشور توجه کنند که راه خوشبختی ملت ایران، تمسک به احکام اسلامی و الهی است. راه خوشبختی ملت ایران، تکیه به خود و تواناییها و استعدادهای خود است. راه خوشبختی این ملت، قطع امید از قدرتهای مسلط جهانی و نیز نترسیدن از آنهاست. نه از آنها اندکی بترسید و نه به آنها سرسوزنی امید بورزید.

عزیزان من! بزرگترین هدیه‌ای که انقلاب اسلامی به این ملت داده است، این است که شرّ حکومت‌های فاسد و وابسته را که سالیان و سالیان بر این کشور و ملت و این مواهب الهی مسلط شده بودند، از سراسر این ملت و این کشور کم کرده است. امروز به فضل پروردگار، اداره کنندگان کشور، از خود این مردمند، امروز به همت و هوشیاری این ملت، بهترین شکل حکومت مردمی و دخالت آراء مردم در این کشور است.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

دستاوردهای عظیم ملت ایران

من عرض می‌کنم: ملت ایران، اگر می‌خواهد راه عزّت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخشهای مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر می‌خواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برسند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار بپردازد. ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است. لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. ملت و بخصوص مسؤولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند با حرکت عاقلانه، خردمندانه و حکیمانه، مانع شوند که دستاوردهای مردم ایران، خدای ناکرده از بین برود. چه دستاوردهایی که مستقیماً به وسیله انقلاب به این ملت داده شده است - مثل حکومت مردمی، دولت مردمی، رئیس جمهور مردمی، نمایندگان مردمی و از این قبیل - و چه دستاوردهایی که متعلق به انقلاب است، اما غیر مستقیم به این ملت داده شده است - مثل حرکات سازندگی؛ که همه، کار انقلاب و هنر انقلاب است و به وسیله عناصر انقلابی، در دولت و بخشهای مختلف انجام گرفته است - دستاوردهایی چنین را ملت ایران و مسؤولین، باید خردمندانه و حکیمانه حفظ کنند.

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسؤولین، خطّ نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خطّ استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاهوگوییها و پرگوییهای کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع می‌کنند، ادامه دهند. اما این که مکرّر گفته می‌شود «راه امام و خطّ امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خطّ امام، اسلام و انقلاب است» این، مطلبی کلی است. معلوم است که خطّ امام، انقلاب و اسلام است! هیچ کس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که می‌تواند مقصود امام بزرگوار را - که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است - برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نه‌راسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

نتایج و برکات حرکت و راه حضرت امام خمینی(ره)

او، آن روح‌الله بود که با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست؛ تخت فرعونهای زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت، و به مؤمنان عزت، و به مسلمانان قوت و شوکت، و به دنیای مادی و بی‌روح معنویت، و به جهان اسلام حرکت، و به مبارزان و مجاهدان فی سبیل‌الله شهامت و شهادت داد.

او بتها را شکست و باورهای شرک‌آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. او به ملت‌ها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه‌ی سلطه‌گران انداختن، ممکن است. لمعات قرب حق را صاحبان بصیرت در چهره‌ی منور او دیدند و طعم برّ الهی را که در حیات و ممات بر او می‌بارید، همه چشیدند. دعای او مستجاب شد که می‌گفت: «الهی لم یزل برّک علیّ ایام حیاتی، فلانقطع برّک عتی فی مماتی».

پیام به ملت شریف ایران در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳

ده کار بزرگ امام(ره)

اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاههای استعماری سعی کردند تا اسلام به دست فراموشی سپرده شود. یکی از نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاستمداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم! قبل و بعد از آن نیز پولهای گزافی خرج شد تا اسلام در درجه‌ی اول از صحنه‌ی زندگی، و در درجه‌ی دوم از ذهن و عمل فردی انسانها خارج شود؛ چون می‌دانستند این دین، بزرگترین مانع در راه چپاول قدرتهای بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

دومین کار بزرگ او، اعاده‌ی روح عزت به مسلمین بود. این‌گونه نبود که اسلام صرفاً در بحثها و تحلیلها و دانشگاهها و صحن جامعه و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمانها در همه جای عالم احساس عزت کردند.

یک نفر مسلمان از کشوری بزرگ که مسلمین در آن در اقلیت قرار دارند، به من می‌گفت: قبل از انقلاب اسلامی، مسلمان بودن خود را هرگز اظهار نمی‌کردیم. طبق فرهنگ آن کشور، همه اسم محلی داشتند، و هرچند خانواده‌های مسلمان روی بچه‌های خود اسم اسلامی می‌گذاشتند، اما جرأت نمی‌کردند آن اسم را اظهار کنند و از بیان آن خجالت می‌کشیدند! اما بعد از انقلاب شما، مردم ما با افتخار اسم اسلامی خود را می‌گویند، و اگر از آنها بپرسند که شما چه کسی هستید، اول آن اسم اسلامی را با افتخار بر زبان می‌آورند.

بنابراین، با کار بزرگی که امام(ره) انجام داد، مسلمانها در همه جای دنیا احساس عزت می‌کنند و به مسلمانی و اسلام خود می‌بالند.

سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمانها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی‌شد. امروز همه‌ی مسلمانها در اقصای آسیا تا قلب

آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و امریکا، احساس می‌کنند که جزو یک جامعه‌ی جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد، که بزرگترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

چهارمین کار بزرگ او، ازاله‌ی یکی از مرتجعترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیمهای منطقه و جهان بود. ازاله‌ی حکومت پادشاهی در ایران، یکی از بزرگترین کارهایی بود که کسی می‌توانست آن را تصور کند. ایران مهمترین دژ استعمار در منطقه‌ی خلیج‌فارس و خاورمیانه بود. این دژ، به دست امام ما در هم فرو ریخته شد.

کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیرمسلمانها خطور نمی‌کرد، و خواب خوشی بود که مسلمانهای ساده‌لوح هم هرگز آن را با خود تصور نمی‌کردند و نمی‌دیدند. امام(ره) در حد یک معجزه، به این خیال افسانه‌آمیز لباس واقعیت پوشاند.

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروهها و جوانها و ناراضیها و آزادی‌طلبها، با ایدئولوژیهای چپ وارد میدان می‌شدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکتها و نهضتهای آزادیبخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌یی از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه‌ی آزادیخواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مبنای و قاعده‌ی کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.

هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاها ما پایه‌های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاها شیعه، یکی از محکمترین فقاها و متکی به قواعد و اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره‌یی وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبل از آن روشن نبود.

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار می‌گیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند! تکبر ورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه، تجمل‌گرایی، خودرأیی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومتها قرار می‌گیرند، این اخلاق را داشته باشند. حتی در کشورهای انقلابی، انقلابیونی که تا دیروز زیر چادرها زندگی می‌کردند و در دخمه‌ها مخفی می‌شدند، به مجرد این‌که به حکومت می‌رسند، وضع زندگیشان عوض می‌شود و اخلاق حکومتیشان تغییر می‌کند و همان وضعیتی را به خود می‌گیرند که بقیه‌ی سلاطین و رؤسای عالم داشتند! ما از نزدیک چنین چیزی را دیده‌ایم؛ برای مردم هم مایه‌ی تعجب نیست.

امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، می‌تواند زندگی زاهدانه‌یی داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند.

اگر دلهای حکام و زمامداران به نور معرفت و حقیقت روشن شده باشد، تجمل و تشریفات و اسراف و برخورداریهایی زیاد و خودرأیی و تکبر و استکبار، جزو لوازم حتمی زمامداری آنها محسوب نمی‌شود. از معجزات بزرگ آن بزرگوار این بود که هم در زندگی خود و هم در آن دستگاهی که به وجود آورده بود، نور معرفت و حقیقت تجلی یافته بود.

کار نهم او، احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملت ایران بود. برادران عزیز! حکومتهای استبدادی و فردی، سالهای متمادی ملت ما را به صورت ملتی ضعیف و مستضعف و توسری‌خور در آورده بودند؛ ملتی که از استعداد جوشان و خصلتهای جمعی فوق‌العاده ممتاز برخوردار است و در طول تاریخ بعد از اسلام، این‌همه افتخارات علمی و سیاسی دارد.

قدرتهای خارجی - مدتی انگلیسیها و مدتی هم روسها و دیگر دولتهای اروپایی، و پس از آن امریکاییها - ملت ما را تحقیر کرده بودند. ملت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ایران بیدار و زنده کردند.

در همان حال که ملت ما از احساسات و نخوتهای بیجای ناسیونالیستی - که استکبار عامل آن، و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود - مبرا هستند، اما احساس عزت و قدرت می کنند. امروز ملت ما از دست به دست هم دادن و توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و ارتجاع نمی ترسند و احساس ضعف هم نمی کنند. جوانهای ما احساس می کنند که خودشان می توانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس می کنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیلها و زورگوییهای شرق و غرب بایستند. این روح عزت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام(ره) در ملت ما زنده کرد.

و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است. دیگران خیال می کردند که یا باید به شرق متکی بود و یا به غرب، یا باید نان این قدرت را خورد و ستایشش کرد و یا آن قدرت را! فکر نمی کردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و بایستد و بماند و خود را روزبه روز ریشه دارتر کند؛ اما امام(ره) این نکته را ثابت کرد.

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۸/۴/۲۳

افتخار امام(ره) به بسیجی بودن

آری، رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خود را بسیجی می شمرد و بدان افتخار می کرد، جهانی را در مقابله با استکبار و قدرتهای ستمگر عالم بسیج کرد و خواب راحت را از چشم زورگویان زدود و نور امید را که کلید همه‌ی پیروزیها و پیشرویهاست، در دل ملت‌ها تابانید. بی شک همه‌ی دستگاههای استکبار نیز به آسانی نخواهند توانست بذری را که او پاشیده، جمع کنند و بنایی را که او پی افکنده، ویران سازند؛ اگرچه بشدت و قساوتی عنادآمیز، با نتایج و ثمرات جهاد بزرگ او در مبارزه و معارضه‌اند.

فرازی از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج ۱۳۶۸/۹/۲

امام(ره) زنده در راه انقلاب

آری، امام عزیز و بزرگ ما، اکنون در میان ما نیست؛ همان‌طور که شهدا در میان ما نیستند. اما هم او و هم آنان، در ذهن و دل ما، در راه زندگی ما و در صراط مستقیم انقلاب ما، حاضر و زنده و فعال است. اثر وجود آن بزرگمرد و یاران شهیدش، تنها به دوران زندگیشان متعلق نبود؛ همچنان که فقط به ایران اختصاص نداشت. امروز، به برکت وجود و عمر مبارک او و آنان، اسلام روزبه روز درخشانتر می شود و ابر غلیظ تحریفها و جهالتها و فتنه‌ها، ناپایدارتر و ضعیفتر می گردد.

انقلابی که امام پدید آورد و شهیدان با خون خود آن را رنگ و بوی گل سرخ بخشیدند، اکنون در سراسر جهان، در بیداری ملت‌های مظلوم و در تجدید حیات جوامع مسلمان و در استحکام روزافزون مبانی معنویت و در فروپاشی مادیگری صریح و

نفاق‌آلود و خلاصه در سرافرازی حق و سرافکندگی باطل، خود را می‌نمایاند. پرچم عروج انسان به بام معنویت که امروز در گوشه و کنار دنیا برافراشته می‌شود، در حقیقت پرچم امام ما و شهیدان اوست. آنها زنده‌اند و روزبه‌روز زنده‌تر خواهند شد.

فرازی از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در تجلیل از شهدا، جانبازان، اسرا و ... ۱۳۶۸/۱۱/۱۹

هنر بزرگ امام(ره)

هنر بزرگ و خدمت بی‌بدیل امام بزرگوارمان این بود که اسلام را از غربت درآورد. مسلمانان، حتی در خانه‌ها و شهرهای خودشان غریب بودند. اسلام، حتی در موطن اصلی خود غریب بود. دشمنان اسلام، با فرهنگ الحاد و فساد و نظامهای طاغوتی، فرصت به‌خوداندیشیدن را هم از مسلمانان گرفته بودند. در چنین شرایطی، امام بزرگوار ما، آن سلاله‌ی پیامبران و دست قدرت خدا در این روزگار، این گرد غربت را از چهره‌ی اسلام زدود و سترد.

از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اولین گروه از میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)

۱۳۷۰/۳/۱۵

امام(ره) معلم انقلاب «ما می‌توانیم»

بعد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب - که امام بزرگوار ما بود - به ما ملت تفهیم کردند که ما می‌توانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را - که همان فرهنگ ماست - بنیانگذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم. ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمی‌کنیم. هر کسی هرچه دارد؛ چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او - وقتی که ناگزیر باشیم - اگر بتوانیم همه‌ی آنها را در خدمت هدفهای خودمان قرار بدهیم، لحظه‌ی دریغ نخواهیم کرد. ما همه‌ی اینها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود، برای ما مبارک‌تر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آن که از دست دیگری و دروازه‌ی بی‌دروازه‌های کشور وارد بشود.

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با وزیر، جمعی از مسئولان و کارشناسان وزارت نفت و ... ۱۳۷۰/۹/۱۲

روشن‌نگری و تشخیص امام(ره)

جهاد سازندگی از جمله دستگাহایی است که بیش از همه، ما را به یاد امام عزیزمان می‌اندازد. چه‌قدر ایشان به این مجموعه‌ی جوان و انقلابی و کارآمد اهمیت می‌دادند، و چه‌قدر لذت می‌بردند وقتی می‌شنیدند جهاد سازندگی موفقیت‌هایی را در جبهه‌ی جنگ و مناطق دورافتاده‌ی روستایی به دست آورده است. آن دل بزرگ، از دیدن این همه تلاش، پُر از امید و شادی می‌شد. تیزبینی و روشن‌نگری و تشخیص آن عزیز، درست و بجا بود و می‌دانست این مجموعه که از عناصر مؤمن و انقلابی و جوان و فعال و کارآمد و باسواد تشکیل یافته است، تا چه اندازه می‌تواند برای کشور مفید باشد.

شما که عاشق امام بودید و هستید، شما که رگ جانتان به امام وصل بود، شما که ارتباط با او را هویت اصلی جهاد به حساب می‌آوردید، باید برای تعظیم روح و شادی آن پرواز کرده به ملکوت اعلی، که بی‌شک ناظر و نگران کارهای ماست، از امروز تلاشتان را مضاعف کنید.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۶۸/۳/۲۰

ایجاد و تأسیس نماز جمعه

یکی از بزرگترین کارهای امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه)، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. نماز جمعه را ایشان به این ملت دادند. سالهای متمادی بود که ما از نماز جمعه محروم بودیم، یا آن را نداشتیم. در جاهایی هم که خیلی بندرت پیدا می‌شد، آن تأثیری را که نماز جمعه می‌توانست در حکومت اسلامی داشته باشد، قهرأ نداشت. در جاهایی هم اصلاً افراد ناجوری بودند که محل بحث نیست. این، مسأله‌ی نماز جمعه است.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۹/۳/۷

امام(ره) قوّت و عزّت مسلمین

من امروز چند حقیقت بدیهی و روشن را عرض می‌کنم و بعد از آن، یک نتیجه‌گیری برای ملت ایران، و یک نتیجه‌گیری برای همه‌ی ملت‌های مسلمان جهان خواهم کرد.

حقیقت اول که کسی منکر آن نیست و هیچ منصفی نمی‌تواند آن را انکار کند، این است که امام بزرگوار ما به اسلام و مسلمین قوّت و عزت بخشید. دشمنان اسلام، اسلام را ضعیف می‌خواستند. آنها تلاش کرده بودند تا اسلام را از صحنه‌ی عمل، بلکه از ذهن ملت‌های مسلمان - چه برسد به غیر آنها - خارج کنند؛ متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده بودند. در این سیاست پلید، حکومت‌های فاسد و وابسته، با استکبار و شبکه‌ی جهانی دشمنان اسلام هماهنگی کامل داشتند.

امام بزرگوار با این انقلاب، مسلمانان را نشاط بخشید و اسلام را زنده کرد. امروز در کشورهای بسیاری، اسلام آرزو و آرمان نسل‌های جوان و به‌پاخاسته و روشنفکر است. یک نمونه، فلسطین عزیز است. سال‌ها به نام فلسطین حرف زده شد و مبارزه گردید؛ اما ناکام و ناموفق. امروز ملت فلسطین، به نام اسلام مبارزه و مقاومت می‌کند؛ لذا مبارزه از شکل سازمانها و گروه‌ها و شخصیت‌ها و سردمدارها، به میان توده‌ی مردم کشیده شده است. چنین مبارزه‌ی، هرگز ناکام نخواهد شد. مبارزه‌ی مردمی اگر باقی بماند، بی‌شک در نهایت به پیروزی خواهد رسید. این، به برکت اسلامی بود که امام نام آن را زنده کرد و وجدان اسلامی را در مسلمین بیدار نمود.

امروز در کشورهای اسلامی شمال آفریقا، گروه‌هایی به نام اسلام و با هدف ایجاد حکومت و نظام اسلامی مبارزه می‌کنند؛ پیشرفت هم کرده‌اند. قبل از نهضت امام بزرگوار ما، چه کسی چنین چیزی را حتی به خاطر می‌گذرانید؟ در شرق و غرب جهان اسلام، مسلمانان بیدار شده‌اند. اقلیت‌های مسلمان در کشورهای اروپایی و غیر اروپایی دارای حاکمیت کفر و الحاد، احساس شخصیت می‌کنند. هویت و شخصیت اسلامی، در میان مسلمانان زنده شد. این، به برکت امام و حرکت عظیم امام بود.

بصیرت و صبر در مبارزه، عامل موفقیت امام(ره) و امت

حقیقت دوم این است که آنچه امام بزرگوار و ملت شجاع ما را در راه این مبارزه‌ی بزرگ موفق کرد، بصیرت و صبر بود - مقاومتی همراه با بصیرت - همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرمود: «و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر» (۹). علت آن هم این است که امروز مبارزه با کفر خالص و شرک خالص نیست، تا مطلب روشن، و صف‌بندیها مجزا و جدای از هم باشد؛ بلکه امروز مبارزه با نفاق و دورویی و تزویر و شعارهای توخالی و دروغ‌زنیها و لاف‌زنیهایی است که بلندگوهای استکبار را در همه‌ی انحای عالم پُر کرده است. بسیاری دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زنند و دروغ می‌گویند. بسیاری دم از اسلام می‌زنند و دروغ می‌گویند. اسلام آنها، اسلام باب طبع و میل سردمداران استکبار است. بسیاری دم از مساوات و برابری انسانها می‌زنند و می‌زنند و دروغ می‌گفتند و می‌گویند. بنابراین، مبارزه در دوران کنونی، مبارزه‌ی دشوار است؛ هم به خاطر قدرت زر و زور استکبار، و هم به خاطر قدرت تبلیغاتی و توجیه‌گر دروغ‌گوییها و نفاقهای استکبار و ایادیش. انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب می‌خورند. همین امروز هم در دنیا آدمهای دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشأن ما، به برکت بصیرت مردم - که با صبر و مقاومت آنها همراه بود - این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود. هر جا در انحای عالم مبارزه‌ی صورت می‌گیرد، حرکتی می‌شود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت می‌کند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی‌شدنی است، و لاغیر.

ایران اسلامی، مرکز و محور حرکت عظیم جهانی مسلمانان

حقیقت سوم این است که همه‌ی دنیا - هم توده‌های مسلمان و مستضعف و محروم عالم، و هم اردوگاه استکبار - تشخیص داده و فهمیده‌اند که کانون و محور و مرکز این حرکتی که امروز در جهت آرمانهای اسلامی در دنیا مشاهده می‌شود، جمهوری اسلامی است؛ لذا در درجه‌ی اول، همه‌ی دشمنیهای عالم متوجه ماست. ما در لابلای سخنان گرم و به‌ظاهر دوستانه، همواره نشانه‌های خصومت و کینه را می‌شناسیم. ما می‌دانیم که استکبار نسبت به جمهوری اسلامی و شما ملت و این امام بزرگوار، چه قدر دشمن است. دشمن چون او را زنده می‌داند، یک سر سوزن از دشمنیش با او کم نشده است. اگر بوقهای استکباری و اردوگاه استکبار و دشمنان امام فکر می‌کردند که او مرده و تمام شده است، بعد از گذشت دو سال از رحلت جانسوز او، این قدر با شخص او و با نام او دشمنی نمی‌کردند، که امروز می‌کنند.

ایران اسلامی، ایران امام، ایران انقلاب، مرکز و محور حرکت عظیم جهانی مسلمانان است، و به همین نسبت محور دشمنیهاست. این، به‌جای آن‌که ما را غمگین کند، خوشحال می‌کند؛ و به‌جای آن‌که ما را وحشت‌زده کند، امیدوار می‌کند؛ چون نشان می‌دهد که ما قدرتمندیم و علیه منافع استکبار و منافع دزدان و غارتگران، همچنان تهدید بزرگی به شمار می‌رویم. دشمنی استکبار، ما را مطمئن‌تر می‌کند که راهی را که در حرکت پیشرونده‌ی انقلاب و سازنده‌ی کشور و جامعه انتخاب کرده‌ایم، درست و موفق و صائب بوده است. اگر ما در حرکتمان علیه منافع دشمنان بشریت و در جهت مصالح انقلاب و کشور، راه خطا را پیموده بودیم، دشمن این قدر با ما دشمنی نمی‌کرد.

امروز همه‌ی تبلیغات جهانی با شیوه‌های مختلف علیه ماست. ممکن است بعضی از رادیوها و بعضی از دستگاههای خبری و تبلیغاتی به ما صریحاً دشنام ندهند، اما این دلیل دوستی آنها نیست. آنها می‌دانند که دشنام صریحشان به ما، دل ملت‌های عالم

را به ما بیشتر نزدیک می‌کند. به همین خاطر، به جای دشنام صریح، تهمت می‌زنند؛ خودشان را به ما نزدیک، و ما را به خودشان خوشبین نشان می‌دهند! این هم از همان ترفندها و خباثتهاست.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴

آزادی و استقلال توأم با معنویت و اخلاق

هنر بزرگِ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام و خطّ اشاره انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب. علت این که شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده‌اند و سرسختی نشان داده‌اند، همین بود.

این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را - که برای ملت‌ها از مهمترین ارزش‌هاست - مورد توجّه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی و آزادیخواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است؛

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۱/۳/۱۴

امام (ره) و احیای حقایق فراموش شده اسلام

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیاء کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال‌طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه‌گران برای این که استیلای خود را بر ملت‌ها و منابع کشورهای اسلامی هرچه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار می‌دیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش‌شده اسلام را احیاء کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سرِ دست بلند کرد؛ ضدّیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیت‌ها علنی کرد. از روز اوّل تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابرنه‌ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسؤولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابرنه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجّه نمودیم و در برنامه‌ریزی‌ها، قانونگذاری‌ها، اجرا و عزل و نصب‌ها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد....

در مورد مردم، مهم‌ترین کاری که امام کرد، این بود که مفهوم مردم‌سالاری را از چیزی که طرّاحان دموکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های عملی می‌خواستند نشان دهند، به کلی دور کرد. سعی آنها این بود که این‌طور القاء کنند که مردم‌سالاری با دین‌سالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم‌سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح نمود. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد

وظیفه ما در قبال راه و خط حضرت امام خمینی(ره)

دشمنان زخم خورده و کمین کرده‌ی انقلاب، سالها انتظار چنین روزهایی را کشیده‌اند و اکنون همچون خفاشانی که غروب خورشید را انتظار می‌برند، در صدد تحرکات خبیث و پلید خود می‌باشند. اگرچه طوفان احساسات مقدس ملت، که این روزها همچون آتشفشانی فضای کشور را گداخته، به بدخواهان و فتنه‌انگیزان داخلی و نیز به دشمنان کینه‌ورز خارجی، مجال هیچ‌گونه شرارت نخواهد داد و هر حرکتی بر علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی را، که ارزنده‌ترین میراث رهبر کبیر و فقید ماست، به آتش خواهد کشید، ولی حفظ آمادگی و هشیاری و حضور در صحنه و حساس بودن در برابر تحرکات مشکوک، امروز از جمله‌ی فرایض عمومی است.

استکبار جهانی از لحظه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، هرگز سودای تضعیف، بلکه محو جمهوری اسلامی را از سر بیرون نکرده؛ همچنان که از هیچ اقدام ممکن و مقرون به صرفه نیز در این راه خودداری نورزیده است، و تا آنگاه که ملت و مسؤولان جمهوری اسلامی، پایبند به استقلال و عزت ملی و اصول اسلامی خود می‌باشند، این انگیزه را در خود نگاه خواهد داشت؛ منتها به فضل و مدد الهی و بنابر قوانین خلقت و تاریخ، در برابر عزم و اراده و آمادگی ملت، کاری از او ساخته نبوده و کید و مکر او به جایی نرسیده است و به خواست خداوند، همواره نیز همین‌گونه خواهد بود؛ ان شاء الله.

لذا این‌جانب، از همه‌ی آحاد ملت و اقشار گوناگون می‌خواهم که حفظ آمادگی و هشیاری و توجه به توطئه‌های دشمنان را فریضه‌ی انقلابی خود بدانند و نیت پلید دشمنان را از موضعگیریهای سیاسی و تبلیغاتی جهانی آنان و نیز از شایعه‌پردازیها و ایجاد مضیقه‌های اقتصادی کشف کنند و بدانند که در صورت آمادگی و هشیاری، همه‌ی توطئه‌های دشمن خنثی می‌گردد و پیروزی از آن ملت ایران خواهد بود.

همان‌طور که رهبر کبیر و عزیز ما بارها تکرار می‌کردند و در وصیت‌نامه‌ی سیاسی، الهی خود نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند، وحدت کلمه و وحدت صفوف ملت ما که رمز پیروزی انقلاب بود، رمز بقا و سلامت و تداوم آن نیز هست. تقسیم شدن ملت به گروهها و دسته‌های متعارض و عمده کردن اختلافات کم‌اهمیت و احساسات غیرمنطقی و به فراموشی سپردن اصول مهمی که میان همه‌ی ملت ما و لاقل میان اکثریت عظیمی از آنان مشترک است، و به فراموشی سپردن دشمن و خطرات جبران‌ناپذیر ناشی از آن، بزرگترین فاجعه برای ملتی است که می‌خواهد حق تزییع شده‌ی خود را احیا کند و خود را از وابستگی به بیگانگان برهاند....

فرازی از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به ملت شریف ایران در تجلیل از امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۳/۱۸

وفاداری به امام (ره) و حرکت در خط امام (ره)

اگر ما امام را دوست داریم - که واقعاً همین‌گونه است و هیچ‌کس نمی‌تواند تردید کند که ملت ایران در عشق و محبت به امام صادق نیست - باید راه و درس او را زنده نگهداریم و هدفهایش را، هدفهای حقیقی و اصلی انقلاب به حساب آوریم و به سمت آنها حرکت کنیم و هدف دیگری از خودمان درست نکنیم. هدفهای امام(ره) مشخص و روشن است و احتیاج به کار زیاد ندارد.

حال که خدای متعال این‌طور مقدر کرد که بنده‌ی صالحش در نیمه‌ی این راه بار را به دیگران بسپارد و به ملکوت اعلی بییوندد و در جوار او آرام بگیرد، ما نخواهیم گذاشت این بار روی زمین بماند. باید همه‌ی آحاد ملت - کوچک و بزرگ - مسؤولان در سطوح مختلف و هرکس که کاری در دستش است، این نکته را حدیث نفس خود کند و پیمان ببندد که راه امام را ادامه دهد و به سمت هدفهای او حرکت کند. در این صورت، عشق و محبت و ارادت و شاگردی ما نسبت به او صادق خواهد بود؛ و آلا اگر در فراق او گریه کنیم و بر سر و سینه‌ی خود بزنیم، ولی راه او را از سمت دیگر ادامه دهیم، محبت و احترام و وفاداری ما صادقانه نخواهد بود. وفاداری این است که عیناً در همان خط و هدف او حرکت کنیم و به بیراهه نرویم.

از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت با فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

اخلاص امام(ره) عامل موفقیت

برادران عزیز! عامل اخلاص امام(ره) و رابطه‌ی او با خدا و نیز اخلاص مردم، تاکنون ما را به این‌جا رسانده است؛ بعد از این هم باید همین‌گونه باشد. اگر هدفها و راه ما، هدفها و راه امام است، وسایل ما هم باید وسایل امام باشد. وسیله‌ی امام(ره)، کمک گرفتن از خدا بود. بیاپید از خدا کمک بگیریم. این کار، با زبان تنها میسر نیست؛ بلکه با خلوص و اخلاص عمل و ترک گناه و ...

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت با فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

پیمان ما با راه امام خمینی (ره)

ما با خدا پیمان بسته‌ایم راه امام خمینی(اعلی‌الله‌قدره) را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فائق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ‌نشین، و به کار گرفتن همه‌ی عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه‌های ماست. هدف اصلی از این‌همه، زنده کردن دوباره‌ی اسلام و بازگشت به ارزشهای قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست.

فرازی از پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴

درس امام به امت: اتصال به خدا و ایمان مردم به اسلام و وحدت کلمه

جمله‌ای در وصیت‌نامه‌ی امام عزیزمان هست که هرگز نباید آن را فراموش کنیم. ایشان فرمودند: آن عاملی که انقلاب را به پیروزی رساند، همان عامل، انقلاب را تداوم خواهد داد. یعنی اتکال به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه‌ی الهی و اسلامی و وحدت کلمه، رمز پیروزی و تداوم انقلاب است. این، یک درس همیشگی برای همه‌ی ماست.

امروز شاهدیم که بر کشور ما، وحدت و صمیمیت و صفای همگانی حاکم است. این، حادثه‌ای بسیار عظیم و از برکات روح مطهر امام بزرگوار ماست. اخلاص آن مرد بزرگ الهی، بعد از رحلت او هم در فضای این جامعه اثر گذاشت و دلها را به هم انس داد و پیوندها را محکم کرد. اتحاد کلمه و همراهی شما مردم با هم و پیوند محکمی که بین شما و مسئولان ابراز شد، همه‌ی دنیا آن را دیدند و باعث یأس دشمنان گردید.

با ورود امام به صحنه‌ی داخلی کشور در سال ۵۷، انقلاب طراوت دیگری یافت و برگ و باری پیدا کرد و ثمربخش شد. لطف خدا بر امام بود که در وجودش این برکات را قرار داد. روح مطهر او در هنگام وفات و عروج ملکوتیش نیز مشمول برکات و لطف الهی شد و موجب گردید تا انقلاب در ایام رحلت آن بزرگوار هم مثل روزهای اول پیروزی، برگ و بار تازه‌تر پیدا کند و از هیمنه و هیبت برخوردار بشود و دشمنان را مأیوس کند.

ما امروز به برکت امام(ره) می‌توانیم از موضع قدرت و قوت با دنیا حرف بزنیم. هیچ‌کس در دنیا نباید تصور کند که جمهوری اسلامی اندکی در خود احساس ضعف می‌کند. به فضل پروردگار، ما امور داخلی خودمان را با قوت و اعتمادبه‌نفس کامل پیش خواهیم برد و ارتباطات خارجی را تا آن‌جا که با اصول ما منطبق باشد و برای اسلام و مسلمین و ملت ایران و انقلاب و جمهوری اسلامی مقرون به صلاح و صرفه باشد، با قوت و قدرت و از موضع بالا گسترش خواهیم داد.

این جمله را که امام بزرگوارمان بارها و بارها روی آن تاکید می‌کردند، به یاد داشته باشید که: رمز همه‌ی پیروزیها، وحدت کلمه و حضور در صحنه است. اگر وحدت کلمه و حضور مردم در صحنه نباشد، ملت ایران نخواهد توانست گامی به جلو بگذارد؛ ولی اگر همه‌ی مردم این رمز را شناختند و حفظ کردند، البته خداوند به آنها کمک خواهد کرد. این وعده‌ی الهی است که: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»، «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لِلَّهِ لَهُ». اینها وعده‌ی حق و صدق و قطعی الهی است.

بحمدالله خدا با ملت ایران است و وجود بزرگوار آن رهبر عالی‌قدر و انسان والا و بی‌نظیر، واقعاً بزرگترین نعمتها برای ما بوده است. امروز هم کلمات و نصایح او که برای ما باقی مانده، بزرگترین نعمت برای ماست؛ چون کلمات خدا و انبیاست و باید قدرشان را بدانیم و ان‌شاءالله به آنها عمل کنیم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و مردم استان خوزستان ۱۳۶۸/۴/۲۱

لزوم مرور و تدبر در درسهای امام(ره)

امروز بزرگترین وظیفه‌ی ما ملت ایران که مریدان قدیم و اولین یاران امام‌خمینی(ره) بودیم، این است که درسهای آن امام بزرگوار را مرور کنیم. شخصیت عظیم رهبر کبیر انقلاب و جوهر درخشانی که همه‌ی دنیا را تحت تأثیر قرار داد، در درسها و بیانات و رهنمودهای او آشکار شده است. البته همه‌ی ما با شناخت کامل آن شخصیت عظیم خیلی فاصله داریم و بدون مبالغه و اغراق باید گفت که هنوز ابعاد بسیاری از شخصیت آن روح ملکوتی و انسان بزرگ و والا برای ما شناخته‌شده نیست.

ما از نزدیک قضایا را می‌دیدیم و همه‌ی کسانی که از چنین فاصله‌یی در کنار وقایع قرار می‌گیرند، به آسانی قدرت جمع‌بندی ندارند. جمع‌بندی آن شخصیت و تحلیل ابعاد گوناگون آن انسان بزرگ و والا، قدری تدبر و تأمل لازم دارد، که به این زودیها

برای ما که در عصر امام و نزدیک به او بودیم، میسر نخواهد شد؛ ولی بیانات آن بزرگوار برای ما درس است، و درس چیزی است که در دسترس و اختیار ماست.

تدبر در درسهای آن بزرگوار، خواهد توانست ما را با ابعاد شخصیت آن راحل عظیم الشان آشنا کند و راه را بر ما بنمایاند. این درسها را نمی‌شود در چند جمله خلاصه کرد. در هر بخشی از زمان و در هر حادثه‌یی از حوادث، یکی از آن درسها می‌تواند به عنوان رهنمود راهگشای ما باشد.

با توجه به شرایطی که امروز در جهان برای کشور ما و موقعیت عظیم ملت ایران در اذهان عالم به وجود آمده است، درس بزرگ امام عزیزمان عبارت است از قدردانی از وحدت و انسجامی که به اراده‌ی الهی برای ما پیش آمد. امروز دلهای ملت ایران از غالب اوقات دوران دهساله‌ی انقلاب به هم نزدیکتر است؛ این هم از برکات روح ملکوتی امام بزرگوارمان بود.

از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت با روحانیون، مسئولان و مردم استان زنجان و نهاوند و کاشمر و ... ۱۳۶۸/۴/۱۵

اکنون در کنار خاطره‌ی تلخ چهاردهم خرداد، این واقعیت شیرین در برابر چشم ماست که امام راحل، اگر نه به جسم، اما با فکر و راه و وصیت همیشه‌زنده‌ی خود در کنار ماست و زنده است و به فضل و قدرت خدا، هیچ قدرتی نخواهد توانست این حضور و این حیات را سلب کند و جمهوری اسلامی را از پدر و بنیانگذار و معلم بزرگ خود جدا سازد.

فرازی از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۷۰/۳/۱۳

خاطراتی از دوران حیات امام(ره)

خدا می‌داند که در طول این ده سال، فکر چنین روزی، همیشه دل ما را لرزنده بود. نمی‌دانستیم دنیای بدون «خمینی» چگونه قابل تحمل است. به همین خاطر، چندین بار به ایشان عرض کردم: دعای بزرگ من در پیشگاه خدا این است که من قبل از شما بمیرم.

در همان روز تلخ که حال امام مساعد نبود، من جمعی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی را دعوت کردم و به آنها گفتم که حال امام خوب نیست؛ کار بازنگری را قدری تسریع کنیم و مژده‌ی اتمام آن را به ایشان در بیمارستان بدهیم، تا دل امام شاد شود. واقعاً از تصور آن چیزی که ممکن بود پیش آید، قلب من می‌لرزید؛ صدایم شکست و نتوانستم حرفم را تمام کنم. شاید چند ساعت بعد از آن بود که اطلاع پیدا کردیم این ودیعه‌ی الهی و این گوهر ارزنده را از دست داده‌ایم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت گروه کثیری از فرماندهان و اعضای سپاه ۱۳۶۸/۳/۱۷

سخت‌ترین کار این است که درباره‌ی فقدان امام عزیز و جان ملت سخن بگوییم. حقیقتاً همه‌ی ما یتیم شدیم. ده سال پیش که ایشان دچار عارضه‌ی قلبی شدند، با جمعی از دوستان - که امروز بسیاری از آنها جزو شهدا هستند و در جوار رحمت الهی آرمیده‌اند - خود را در آن هوای سرد و برفی به قم رساندیم و آن وجود عزیز را که حیات انقلاب مرهون او بود، به تهران

آوردیم و در بیمارستان قلب بستری کردیم. چه روزهای سختی گذشت و چه دلهره‌ها و نگرانیهای غیرقابل توصیفی را پشت سر گذاشتیم.

از آن روزها تا پایان حیات ایشان، دائماً نگران این حادثه‌ی تلخ بودیم و بارها به پروردگار متعال عرض می‌کردیم که دعای شوق‌انگیز امت مؤمن و مخلص ما به درگاه تو، سلامت و بقای این قلب تپنده است؛ با بزرگواری خود، دعای امت ما را مستجاب کن. هروقت تصور فقدان این موجود عظیم و عزیز را می‌کردیم، واقعاً دنیا برای همه‌ی ما بی‌معنی و تاریک جلوه می‌کرد. امروز ما در مقابل چنین مصیبت بزرگ و سختی قرار داریم، که حقیقتاً حادثه‌ی جانکاه و باورنکردنی است و با هیچ مصیبت دیگری قابل مقایسه نیست.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

همه‌ی شما دیدید که در پایان وصیت‌نامه‌ی ایشان، به مواردی اشاره شده بود که امام قبلاً نسبت به طرح آنها سکوت کرده بودند. در زمان بنی‌صدر که من خدمت امام(ره) رسیده بودم، ایشان می‌گفتند: حرفهایی که او از قول من می‌گوید، هم‌ه‌اش خلاف واقع است و حقیقت ندارد. بنابراین، هر حرفی که زده می‌شد، فوراً او را نمی‌آشفتم و تحریک نمی‌کرد و در صدد پاسخ سریع بر نمی‌آمدم. این متانت، بردباری، حلم، تسلط بر نفس و سعه‌ی صدر، در هرکس که باشد، از او یک انسان بزرگ خواهد ساخت. درعین حال اگر امام(ره) آن عوامل اصلی معنویت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را نمی‌داشت، نه انقلاب به پیروزی می‌رسید، نه شما مردم این‌گونه عاشقش می‌شدید، نه می‌توانست این طوفان را در دنیا به وجود آورد، و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارباب دشمن، مثل کوه بایستد.

در همین خصوص خاطره‌ای در ذهنم مانده است که نقل می‌کنم: چند روز قبل از پایان سال ۶۵ که خدمت امام بودیم، چون یکی از روزهای فروردین ۶۶ با ولادت یکی از ائمه(ع) مصادف می‌شد، من و ... و حاج احمد آقا اصرار کردیم که ایشان در حسینیه‌ی جماران با مردم دیداری داشته باشند. امام استنکاف کردند و قاطع گفتند: حالش را ندارم. من در ایام نوروز به مشهد رفته بودم ... در همان روزها، ناگهان قلب امام مشکلی پیدا می‌کند و چون حاج احمد آقا - که حق بزرگی بر گردن همه‌ی ملت دارد و امام را در این چند سال حفظ کرد - همه‌ی وسایل را برای بهبود امام(ره) مهیا کرده بود، فوراً به وضعیت جسمی ایشان رسیدگی شد و خطر برطرف گردید.

وقتی در بیمارستان بر بالین ایشان حاضر شدم، عرض کردم: چه قدر خوب شد که آن شب اصرار ما را برای ملاقات با مردم نپذیرفتید؛ و الا اگر خبر این ملاقات اعلام می‌شد، مردم به زیارت شما می‌آمدند و آن وقت شما با این حال نمی‌توانستید مردم را ملاقات کنید و انعکاس آن در دنیا خوب نبود. این کار شما، خواست خداوند و کمک الهی بود و در آن زمان تصمیم بجایی گرفتید. ایشان در پاسخ من گفتند: آن‌طور که من فهمیدم، مثل این که از اول انقلاب تا حالا، یک دست غیبی در همه‌ی کارها دارد ما را هدایت و پشتیبانی می‌کند.

معنویت مردم و خانواده‌ی شهدا و اخلاص رزمندگان در جبهه‌ها، امام را به هیجان می‌آورد. من چند بار گریه‌ی امام را - نه فقط به هنگام روضه و ذکر مصیبت - دیده بودم. هر دفعه که راجع به فداکاریهای مردم با امام صحبت می‌کردیم، ایشان به هیجان می‌آمدند و متأثر می‌شدند. مثلاً موقعی که در محل نماز جمعه‌ی تهران، قلکهای اهدایی بچه‌ها به جبهه را شکسته بودند و کوهی از پول درست شده بود، امام(ره) در بیمارستان با مشاهده‌ی این صحنه از تلویزیون متأثر شدند و به من که در خدمتشان بودم، گفتند: دیدی این بچه‌ها چه کردند؟ در آن لحظه مشاهده کردم که چشمهایشان پُر از اشک شده است و گریه می‌کنند.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت با فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

ایشان تا آخرین لحظات حیاتشان، ذکر و نماز و دعا را از دست ندادند. حاج احمدآقا فرزند عزیز حضرت امام می‌گفتند: پیش از ظهر روز آخر حیات امام(ره)، ایشان روی تخت دایماً نماز می‌خواندند. مدتی گذشت، بعد پرسیدند: ظهر شده است؟ گفتم: بلی. آن وقت خواندن نماز ظهر و عصر با نوافلش را شروع کردند. بعد از اتمام نماز، مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما بسر می‌بردند، مرتب پشت سر هم می‌گفتند: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر، سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر». این کار برای ما درس است. ما که رهبرمان را دوست داریم، باید به کارها و روحیات او توجه کنیم و از آن درس بگیریم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت با فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

او همیشه بر مردم و ملت‌ها تکیه می‌کرد. در سفری که می‌خواستیم به خارج از کشور بروم، خدمت امام بزرگوارمان رفتیم. در آن زمان جریانی وجود داشت، که به ایشان گفتم در دنیا نسبت به این جریان علیه ما خیلی حرف است. (البته می‌خواستیم به ایشان گزارش بدهم؛ والا من هم هیچ رعب و خوفی از آن جنجال‌های جهانی نداشتم و بعداً هم وارد آن ماجرا شدم). ایشان تمام خبرهای دنیا را همیشه به صورت نزدیک و نقد در اختیار داشتند و غالباً خبرهای جهانی را زودتر از دیگران به دست می‌آوردند. امام(ره) در پاسخ من با لبخند رضایتی گفتند: بلی، اطلاع دارم؛ اما همه‌ی ملت‌ها با ما هستند. واقعاً همین‌طور بود که ایشان می‌فرمودند. در همان سفر، آن‌چنان حضور ملت‌ها در کنار ما آشکار شد که همه را میبھوت کرد. بنابراین، او هم دوستانش را می‌شناخت، و هم دشمنانش را. از دوستانش منتفع می‌شد و به آنها اعتماد و تکیه می‌کرد. بزرگترین دوستانش شما ملت وفادار بودید، و امام چه خوب شما را شناخته بود.

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۸/۴/۲۴

در دوران مسؤولیت ممتدی که از روزهای اول انقلاب داشتم، بارها به یاد این جمله‌ی امیرالمؤمنین(علیه‌الصلاة والسلام) می‌افتادم که می‌فرماید: «إذا اشتد بنا الحراق التجینا برسول الله». امیرالمؤمنین می‌فرمایند: وقتی در جنگ‌ها کار بر ما سخت می‌شد و احساس می‌کردیم که در مقابل حادثه ضعیفیم، به رسول خدا پناه می‌بردیم. وقتی این جمله‌ی امیرالمؤمنین(صلوات‌الله‌علیه) به یاد می‌آمد، می‌دیدم بر وضع ما نیز صادق است.

مکرراً اتفاق افتاد که سر قضایای مختلف، با برادران مسؤول می‌نشستیم و فکرهايمان را تبادل می‌کردیم و مشکل را در مجموعه‌ی می‌گذاشتیم و خدمت امام(ره) می‌بردیم و او بود که با نظر صایب و اراده‌ی قوی و ایمان و توکل بی‌نظیر خود، مشکل را حل می‌کرد. خدا شاهد است که در مدت عمر خود، کسی را در این حد از توکل و حسن‌ظن به خدا ندیده و نشنیده‌ام. او، مشکل را حل و گره را باز می‌کرد. امروز، این پدر خانواده و آن متکای محکم و کسی که خاطرم‌ان آسوده بود که در مشکلات، به او مراجعه خواهیم کرد، در میان ما نیست.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۶۸/۵/۱۲

مادر اسیری - نمی‌دانم در تبریز بود، یا در جای دیگر - به من گفت که بچه‌ام اسیر بود، امروز خبر آمد که شهید شده است. شما برو به امام بگو که فدای سرتان، من ناراحت نیستم. این زن، وضع خیلی عجیبی داشت. دیدم جمعیت را می‌شکافد و می‌آید. نمی‌گذاشتند بیاید؛ من گفتم بگذارید بیاید، ببینم چه می‌گوید. آمد این حرف را زد. از این حرف، من خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. وقتی که خدمت امام آمدم، یادم هم رفت اول بگویم؛ بعد که بیرون آمدم، یادم آمد. به یکی از آقایانی که در آن جا بود، گفتم به امام عرض بکنید، یک جمله ماند. ایشان، پشت در حیات اندرونی آمدند، من هم به آن جا رفتم. وقتی حرف آن زن را گفتم، امام آن چنان چهره‌ی نشان دادند و آن چنان رقتی پیدا کردند و گریه‌شان گرفت که من از گفتنش پشیمان شدم.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی ۱۳۶۹/۳/۱

او برای خودش هیچ چیز نمی‌خواست. برای تنها پسرش - که عزیزترین انسانها برای امام، مرحوم حاج احمد آقا بود و ما بارها این را از امام شنیده بودیم که می‌فرمود اعزّ اشخاص در نظر من ایشان است - در ده سال آن حکومت و آن زمامداری و رهبری بزرگ، یک خانه نخرید. ما مکرّر رفته بودیم و دیده بودیم که عزیزترین کس امام، در آن باغچه‌ای که پشت حسینیه منزل امام بود، داخل دو، سه اتاق زندگی می‌کرد. آن بزرگوار برای خود، زخارف دنیوی و ذخیره و افزون‌طلبی نداشت و نخواست؛ بلکه بعکس، هدایای فراوانی برایش می‌آوردند که آن هدایا را در راه خدا می‌داد. آنچه را هم که داشت و متعلّق به خود او بود و مربوط به بیت‌المال نبود، برای بیت‌المال مصرف می‌کرد. همان آدمی که حاضر نبود آن روز با ده پانزده میلیون تومان خانه قابل قبولی برای پسرش بخرد - ولو از مال شخصی خودش - صدها میلیون تومان مال شخصی خود را برای نقاط مختلف - برای آبادانی، برای کمک به فقرا، برای رسیدگی به سیل‌زدگان و جاهای مختلف دیگر - صرف می‌کرد. ما اطلاع داشتیم که در مواردی پولهای شخصی خود امام بود که به اشخاصی داده می‌شد، تا بروند آنها را مصرف کنند؛ اینها هدایایی بود که مریدان و علاقه‌مندان و دوستان برای امام آورده بودند.

آن مردی که چهره باصلابتش دشمنان ملت ایران را می‌ترساند و به خود می‌لرزاند - آن سّد مستحکم و کوه استوار - وقتی که مسائل عاطفی و انسانی پیش می‌آمد، یک انسان لطیف، یک انسان کامل و یک انسان مهربان بود. من این قضیه را نقل کرده‌ام که یک وقت در یکی از سفرهای من، خانمی خودش را به من رساند و گفت از قول من به امام بگویید که پسر من در جنگ اسیر شده بود و اخیراً خبر کشته شدن او را برایم آورده‌اند. من پسر من کشته شده، اما برایم اهمیت ندارد؛ برای من سلامت شما اهمیت دارد. آن خانم این جمله را در اوج هیجان و احساس به من گفت. من خدمت امام آمدم و داخل رفتم. ایشان سر پا ایستاده بود و من همین مطلب را برایش نقل کردم؛ دیدم این کوه استوار و وقار و استقامت، مثل درخت تناوری که ناگهان بر اثر توفانی خم شود، در خود فرورفت. مثل کسی که دلش بشکند؛ روح و جان و جسم او تحت تأثیر این حرف مادر شهید قرار گرفت و چشمانش پُر از اشک شد!

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۳/۱۴

شبی در یک جلسه خصوصی، با دو سه نفر از دوستان، منزل مرحوم حاج احمد آقا نشسته بودیم؛ ایشان هم نشسته بود. یکی از ما گفتیم: آقا شما مقامات معنوی دارید، مقامات عرفانی دارید؛ چند جمله‌ای ما را نصیحت و هدایت کنید. آن مرد با عظمتی

که آن گونه اهل معنا و اهل سلوک بود، در مقابل این جمله ستایش گونه کوتاه یک شاگردش - که البته همه ما مثل شاگردان و مثل فرزندان امام بودیم؛ رفتار ما مثل فرزند در مقابل پدر بود - آن چنان در حال حیا و شرمندگی و تواضع فرو رفت که اثر آن در رفتار و جسم و کیفیت نشستن او محسوس شد! در حقیقت ما شرمنده شدیم که این حرف را زدیم که موجب حیای امام شد. آن مرد شجاع و آن نیروی عظیم، در قضایای عاطفی و معنوی، این گونه متواضع و با حیا بود.

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۳/۱۴

مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی)